

از دانه گیاهان مذکور در رفع یبوست های مقاوم، نزله های مزمن، دیسانتری، اسهال های ساده، درمان بیماری های مختلف ناشی از التهاب کلیه و مثانه و همچنین در خون آمدن از ریه استفاده بعمل می آید.
مقدار مصرف دانه ۰ تا ۰۱ گرم است .



ش ۵۳ - Plantago Psyllium : شاخه گلدار (اندازه طبیعی)

در استعمال خارج ، از لعاب دانه گیاهان مذکور، نوعی کولیر جهت رفع ورم چشم تهیه می گردد.

در صنعت از لعاب دانه این گیاهان استفاده های مختلف مخصوصاً در تهیه آهار پارچه بعمل می آورند.

محل رویش - گونه اول از گیاه مذکور در منطقه وسیعی از نواحی شمالی ایران، دشت گرگان، گیلان: بین سنجیل و پاچنار (راه قزوین به رشت)، رودبار در ارتفاعات ۰۰ متری، بین چالوس و رشت، لرستان، کردستان، بختیاری، اصفهان، خوزستان: ایلام، پشت کوه، مهران، شوش، فارس: تخت جمشید، لار: بستک، کرمان: نزدیک بم، مسجد سلیمان و گونه دوم در نواحی شمالی ایران، بندر انزلی تا نوشهر مانند چابکسر و بابلسر در ساسه زارهای ساحل دریا می روید.

Plantago Coronopus L.

P. stellaris Salisb. ، *P. neglecta* Guss.

فرانسه : Pied de Corneille ، Pied de corbeau ، Plantain corne - de - cerf
انگلیسی : Crow-foot ، Hart's horn ، Corno di cervo: آیتالیائی: Schlitz wegerich:
عربی : اذینه (Udhaynah)

گیاهی است یکساله یا دوساله وگاهی پایا که اغلب در ساسه زارها و دشتهای سواحل دریاها، اراضی دارای شوره و نواحی گرم می روید و در ایران نیز، اختصاصاً در نواحی جنوبی پراکنندگی دارد. از مشخصات آن این است که برگهای آن در قاعده ساقه واقع است و پهنک آنها نیز عموماً باریک، دراز و منقسم به تقسیمات عمیق یادندانه دار (ندرتاً باکناره صاف) می باشد. گلهای آن مجبوماً سنبله های باریک و درازی بوجود می آورند که هر یک بر روی پایه بلندی منتهی به ناحیه یقه، واقع است. میوه آن کوچک، سختی ۳ تا ۰ دانه قهوه ای با ظاهر مسطح است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، ریشه و دانه آن است.

در بعضی از نواحی با پرورش مداوم این گیاه موفق به دست آوردن نمونه های زیبا از آن گردیده اند.

ترکیبات شیمیائی - دانه این گیاه مانند سایر گونه های درمانی که ذکر شد ، دارای موسیلاژ فراوان است.

خواص درمانی - برگ و ریشه آن دارای اثر درمانی شبیه گونه هائی است که تحت نام

بارهنگ مصرف دارند.

کلیه قسمتهای گیاه اثرمرد دارد. ازدانه اش نوعی کولیر، جهت رفع ورم چشم تهیه می گردد.
محل رویش - نواحی جنوبی ایران، بوشهر، آبادان، زابل، سیستان، مسجد سلیمان
و نواحی مختلف بلوچستان (Fl. de l'Iran)^(۱).

Plantago major L.

P. cernata Blanco ، *P. exaltata* Hornem.

فرانسه : Grand - plantain ، Plantain à grandes feuilles ، Plantain commun ؛
انگلیسی: Waybread ، Bird's meat ، Great - waybread ، Larger plantain ؛
آلمانی : Schafeszungel ، Grosser Wegerich ، Roter - Wegerich ، Breiter-Wegerich ؛
ایتالیایی: Petacciola ، Centonervi ، Cinquenervi ، plantaggine maggiore ؛
فارسی : بارهنگ ، سماج و لک (Remhadjé valk درگیلان) - عربی : لسان الحمل
گیاهی است به ارتفاع ۸ تا ۱۰ سانتیمتر و دارای برگهایی با پهنک بزرگ و واقع در
سطح زمین که در منطقه وسیعی از دوقاره اروپا و آسیا و همچنین شمال آفریقا و آمریکای شمالی
می روید. از مشخصات آن این است که در پهنک برگهای آن، ۳ تا ۱۱ رگبرگ سراسری در جهت
طولی دیده می شود. گلهای آن دارای جامی به رنگ خاکستری روشن یا تقریباً سایل به قرمز و
مجموع به صورت سنبله های دراز است. هر یک از این سنبله ها نیز در راس دنباله بلندی منتهی
به وسط برگها، جای دارد.

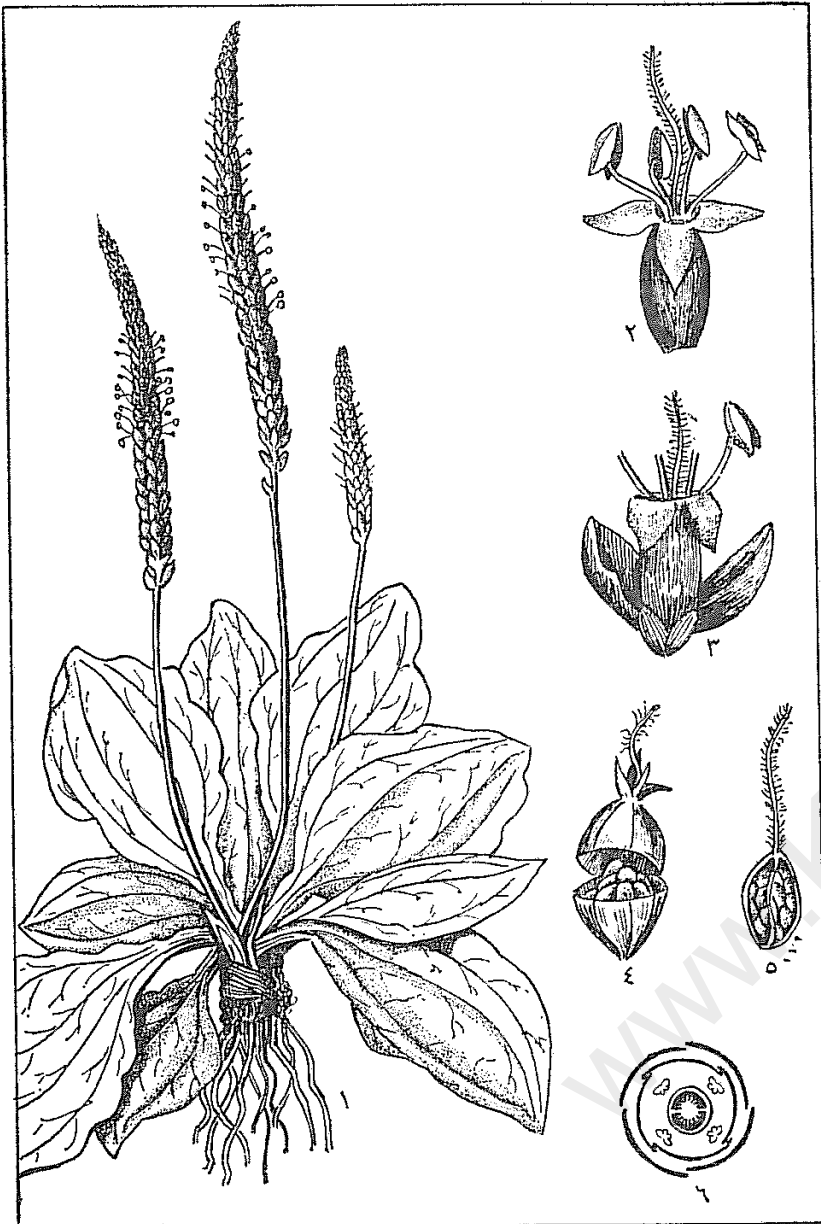
میوه اش پوشینه ، دارای ۲ خانه و محتوی ۴ تا ۸ دانه کوچک و بیضی شکل در هر
خانه می باشد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، ریشه و دانه آن است که در طب عوام به مصارف
درمانی عدیده می رسد.

۱- در فلورا- ایرانیکا به جای گیاه مذکور دو گونه فرعی زیر از آن در ایران ذکر شده
است:

الف - subsp. *Coronopus* که در گرگان ، لرستان (پشت کوه) ، مهران ، بختیاری
کرمانشاه: قصر شیرین، اهواز، بوشهر، برازجان، جزیره هرمز و بلوچستان می روید.

ب - subsp. *commutata* (Guss.) Pilger که در لرستان : ایلام ، پشت کوه ،
مهران: بین شوش و دهلوران، فارس: بوشهر، دشت ارژن، کازرون، لار، جزیره قشم و حاجی آباد
نزدیک طارم پراکنده گی دارد (Fl. Iranica).



ش ۴۰ - *Plantago major* : ۱ - گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی) ۲ - گل

۳ - نمایش پوشش گل ۴ و ۵ - میوه و برش طولی آن

گیاه مذکور و دوگونه دیگر از آن به ناسهای *P. lanceolata* L. و *P. media* L. دارای مصارف درمانی مشابه می باشند.

هیچیک از گیاهان مذکور تولیدنوش نمی نمایند ولی زنبورعسل برای استفاده از دانه های گرده، به سمت آنها جلب می گردد.

ترکیبات شیمیائی - برگ و ریشه گیاهان مذکور دارای موسیلاژ، صمغ، اسیدهای آلی، انورتین، اسولسین، تانن و گلوکزیدی به نام اوکوبین Aucubine به فرمول $C_{15}H_{22}O_9$ است. ماده اخیر، تحت اثر اسولسین به سهولت تجزیه گردیده، گلوکز و یک آگلیکون (Aglycone) از آن حاصل می شود که ترکیب شیمیائی آن هنوز بطور دقیق معلوم نشده است.

در خاکستر گیاهان مذکور، اسلح مختلف سدیم، پتاسیم، منیزیم و غیره بطور فراوان مشاهده می گردد.

دانه *P. lanceolata* L.، دارای ۸ تا ۹ درصد دانه *P. major* L. دارای ۱ درصد سواد روغنی است. روغن حاصل از دانه گیاه اخیر، رنگ زرد، بوی مطبوع و طعمی تقریباً شبیه طعم روغن گردو دارد. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه معادل ۰.۹۳۲ ر. می باشد. اندیس صابونی و اندیس ید آن، بترتیب ۱۸۳ و ۳۸۸ است. از این روغن می توان برای مصارف تغذیه استفاده بعمل آورد.

خواص درمانی - ریشه، برگ و دانه این گیاهان اثر قابض و نرم کننده دارد و از آنها به عنوان تصفیه کننده خون، آرام کننده و رفع تحریکات در نزله های مزمن برونش ها، نزله سحاری ادرار و دستگاه هضم، رفع ناراحتی های آسم مرطوب، اسهالهای ساده، ورم مخاط دهان، درد دندان و حتی درد گوش استفاده می گردد.

W. Bohn در ۱۹۲۷ و H. Schulz در سال ۱۹۲۹ و K. Kahnt در ۱۹۰۶، جوشانده گیاه کامل را به عنوان یکی از بهترین داروها جهت رفع نزله های مزمن شش و یک داروی فرعی مناسب برای درمان سلولین توصیه نمودند. در آلمان، نقل ساخته شده از اعضای این گیاه را برای رفع ناراحتی های دستگاه تنفس کودکان به کار می برند.

اطبای قدیم مانند S. Kniepp و بعداً A. Dinand و همکارانش، فرآورده های بارهنگ را در رفع خونریزیهای ریوی، وجود خون در اخلاط، بیماریهای کبدی، زردی و برگرداندن غذا که با احساس سوزش در لوله بیری همراه است، با اثر قاطع ذکر نمودند. جوشانده دانه بارهنگ در رفع بیماریهای التهابی کلیه و مثانه و مخصوصاً وجود خون در ادرار، مؤثر تشخیص داده شده است.

بارهنگ از گیاهانی است که ارزش درمانی آن در استعمال خارج خیلی بیشتر از مصارف داخلی آن است.



ش ۰۰ - *Plantago lanceolata*: گیاه کامل به اندازه طبیعی (Lewis)

از بررسی های Dr. H. Leclerc، چنین نتیجه گرفته شده است که اگر برگ تازه بارهنگ به مدت چند ساعت در آب جوشیده قرار گرفته سپس قطعات آن بر روی زخمهای باز گذارده

شود، نه تنها زخمها را از خطر آلودگی حفظ می کند بلکه سرعت التیام و بهبود آنها را باعث می گردد. در ایران نیز، از برگ بارهنگ به همین منظور استفاده فراوان در التیام زخمها بعمل می آید. تجربه نشان داده است که کمپرس و ضماد برگ بارهنگ، اگر بر روی زخمهای ملتهب اثر داده شود، معالجه سریع آنها را باعث می گردد.

جوشانده ریشه گیاه که با عسل شیرین شده باشد، اگر به صورت غرغره بر روی مخاطدهان اثر داده شود، ورم حلق و گلو را از بین می برد.

Hufiland از تجربیات خود چنین نتیجه گرفت که له شده برگهای تازه بارهنگ را اگر در ناراحتی های جلدی بر روی پوست قرار دهند و مرتباً نیز آنرا تجدید نمایند، اثر معالجه در رفع سوزشهای بسیار دردناک ظاهری کند و حتی اگر حالت چرکین پیدا نموده و یا در مرحله پیشرفت در ناحیه صورت باشد، آنرا از بین می برد.

Dr. H. Leclerc، بکار بردن کرم (Crème) بارهنگ را در رفع جوشهای صورت، جوش ناحیه بینی، زنخدان و گونه ها، توصیه نموده است. جوشانده بارهنگ مخصوصاً اگر گل *Melilotus officinalis* و گل *Centaurea cyanus* بدان افزوده شده باشد، به صورت حمام چشم، در رفع ورم پلک و ورم ملتحمه تأثیر سفید می نماید. برگ تازه و له شده بارهنگ اگر در محل گزیدگی زنبور، زنبور عسل و پشه، شدیداً مالش داده شود، درد را تسکین می دهد و بنظر می رسد که اثر خنثی کننده بر روی سم حشرات مذکور داشته باشد.

بهداشت پوست

— مقداری برگ تازه بارهنگ را به مدت ۵ دقیقه در شیر بجوشانید و سپس مایع حاصل را پس از صاف و سرد شدن بر روی پوست صورت اثر دهید و به سلامت بمانید. باین عمل نه تنها پوست صورت نرم و شاداب می شود بلکه ناراحتی های ناشی از تأثیر گرما و اشعه خورشید بر روی پوست نیز از بین می رود.

— برگ تازه و له شده بارهنگ اگر در محل خارش و تحریکات پوستی و یا محل سوختگی های سبک اثر داده شود در رفع ناراحتی های مذکور اثر سفید ظاهر می کند. ضمناً باعث می شود که پوست صورت اگر منافذ باز پیدا کرده باشد آنرا به حال طبیعی برگرداند.

صورت آرومی - جوشانده . ۵ تا . ۱ گرم ریشه یا برگ بارهنگ در یک لیتر آب به مقدار ۳ فنجان در روز (این جوشانده را می توان با شراب و یا شراب رقیق شده با آب تهیه کرد) - جوشانده گیاه در شراب به مقدار یک قاشق در هر ساعت و یک فنجان در موقع خون آمدن از سینه (Kniepp) - دم کرده حاصل از ۱ گرم برگ بارهنگ در ۱۰ گرم آب جوش برای استفاده

از آن به صورت حمام چشم (این محلول اگر با اضافه کردن گل *Melilotus officinalis* و گل *Gentaurea cyanus* تهیه شود، نتیجه بهتر می دهد).

در بیماریهای سینه، استفاده از شیر گیاه به صورت زیر توصیه شده است.

مقداری برگ بارهنگ را اختیار کرده در آب می شویند سپس آنها را بر روی یک پارچه تمیز پهن می کنند تا آب آنها خشک گردد بعداً برگها را به قطعاتی تقسیم می نمایند و شیره آنها را می گیرند و هموزن آن، عسل بدان می افزایند و مدت ۲۰ دقیقه می جوشانند. مصرف مقدار کم ماده غلیظ حاصل، که مدتی بدون خراب شدن می تواند در ظروف سر بسته باقی بماند، در رفع بیماریهای سینه توصیه گردیده است. اگر به ماده مذکور، جوشانده گلگانهائی که اثر رفع سرفه و تسکین ناراحتی های سینه دارند، اضافه شود، نتیجه بهتر حاصل می گردد.

محل رویش - گونه اول از ۳ گیاه مذکور یعنی *P. major L.*، در اطراف تهران، ری، کرج، لاهیجان، رشت، گرگان، کنول، مازندران، کندوان در ۲۶۰۰-۳۰۰۰ متری، آذربایجان، تبریز، سراب، ارومیه، کردستان، کرمانشاه، لرستان، بیشه، خرم آباد، همدان، بروجرد، کرمان، کوه لاله زار، شیراز، خراسان، بجنورد، تربت جام، کاشان، قمصر، اصفهان، بلوچستان و بطور کلی غالب نواحی ایران مخصوصاً اگر محل رویش، رطوبت کافی داشته باشد و گونه دوم یعنی *P. melia L.* در آذربایجان، عمارلو، راه بین کبوتر چاک به زردچین و اطراف رشت (پیمان زرگری) می روید.

نام عربی گونه اخیر و دانه آن **مصاصه** (*Massasah*) و **بزر بلدی** است.

در سراسر منطقه گیلان مخصوصاً رشت، برگ تازه این گیاه را بدون آنکه پهنک آن به قطعاتی تقسیم گردد، له می نمایند و سپس آنرا بر روی دسل و ناحیه ملتهب پوست بدن قرار می دهند و عقیده دارند که باین عمل، ضمن ایجاد یک حالت تسکین، دسل به سهولت سرباز می کند و موجبات بهبود آن فراهم می گردد بعلاوه حالت التهاب بطور محسوس آرامش کلی پیدا می نماید. زخمهای باز نیز، با له شده برگ شسته بارهنگ حفاظت می گردد.

گونه سوم یعنی *P. lanceolata L.* در منطقه وسیعی از نواحی ایران مانند گرگان، رباط قزلق، مازندران، بابل، نوسهر، کندوان، بیه چالوس، گیلان، بندر انزلی، عمارلو، داباش، رشت، لاهیجان، فارس، جهرم، شیراز، کرمان، بم، کوه جوپار، بلوچستان، بین زاهدان و خاش، سیستان، زابل، خراسان، بین قوچان و لطف آباد (دکتر دریادل - احمد ماهوان)، تربت جام، بین بجنورد و تپه سراوه، اطراف تهران، کرج، تبریز، اردبیل، خوی، ارومیه، تفرش، ملایر، خرم آباد، لرستان، نواحی سرطوب صالح آباد، یزدخاست و مسجد سلیمان می روید.

نام عربی آن **آذان الکبش** (âdhân el kabsh) است.

از بین گونه‌های مختلف *Plantago* که عموماً دارای پراکندگی وسیع در ایران‌اند، انواعی که برگهای بزرگ و غیر منقسم دارند، به‌مصارفی شبیه *P. major* L. در استعمال خارج می‌رسند.

Plantago ovata Forsk.

P. lanata Willd. ، *P. microcephala* Poir.

فرانسه : Ispaghula انگلیسی: Spogel plantain عربی: کباش ، لقمة‌التعجیة ، شیطه گیاهی یکساله، کوچک، بدون ساقه یا دارای ساقه بسیار کوتاه و پوشیده از تارهای نرم است. برگهای باریک و دراز، نوک‌تیز، با کناره صاف یا بادندانه‌های ظریف و منتهی به دمبرگ دراز دارد. در سطح پهنک آن معمولاً ۳ رگبرگ سراسری در جهت طولی دیده می‌شود. گل‌های آن به صورت سنبله‌های استوانه یا تقریباً مدور ، به‌طول ۱ تا ۳ سانتیمتر در راس دمگلی ظاهر می‌شود. پراکنده‌گله‌ها، هر یک ۵ میلی‌متر طول دارد و به‌رنگ سبز مایل به‌قهوه‌ای می‌باشند. میوه‌اش به‌صورت پوشینه و محتوی دانه‌هایی به‌رنگ قهوه‌ای مایل به‌زرد است. درهند، پنجاب، نواحی مختلف ایران و جزایر قناری پراکنده است.

قسمت مورد استفاده گیاه، دانه‌های آن و یا پوسته دانه (شامل بشره و لایه‌های زیرآن) می‌باشد. در حالت اخیر، تحت نام *Ispaghula Husk* به‌بازارهای داروئی عرضه می‌شود. ترکیبات شیمیائی - از دانه گیاه ، گلوکزیدی به‌نام اوکوبین aucubine به‌دست آورده‌اند که فاقد هر نوع عمل فیزیولوژیکی است . بعلاوه دارای تانن و مقادیر زیادی موسیلاژ است .

تانن موجود در دانه، فاقد هر نوع عمل فعال بر روی آمیب و باسیل دیسانتری است ولی موسیلاژ دانه که در قشر خارجی آن جای دارد، عمل مکانیکی در روده بظهور می‌رساند. ضمناً بررسی‌های مختلف نشان داده است که چون آنزیم‌های دستگاه گوارش بر روی موسیلاژ دانه اثر نمی‌نماید، نتیجه آن می‌شود که این ماده لعابی، طول روده کوچک را بدون آنکه تغییر حالت دهد، طی کند و به‌صورت آستری، مخاط روده را بپوشاند و با ایجاد یک لایه محافظ، عمل تسکین دهنده در موارد التهاب ظاهر نماید. در روده بزرگ نیز با کتربها، عمل ناچیز بر روی موسیلاژ دانه دارند در نتیجه روده‌های بزرگ و کوچک در طی ۱۲ تا ۲۴ ساعت ، بدون آنکه موسیلاژ دانه تغییر شکل حاصل نماید، کلاملاً آغشته بدان می‌گردند و یک آستر از ماده لعابی، بر روی قسمت ملتهب آنها، پدید می‌آید و آنها را از تحریکاتی که مایعات یا گازها و حتی میکروبیهای روده

مسکن است بوجود آورند ، دور نگه‌میدارد . باین عمل، قسمت تحریک شده و ملتهب روده ، به‌سرعت حالت طبیعی خود را پیدایی کند و درمان می‌گردد. ضمناً مواد سمی موجود در روده، جذب مایع کلونیدی می‌شوند بدون آنکه وارد خون گردند.

دانه گیاه اگر به‌مقدار زیاد مصرف شود، پس از وارد شدن در روده و جذب آب، از زیاد حجم پیدا می‌نماید و در نتیجه بطور مکانیکی موجبات سهولت دفع مواد دفعی را فراهم می‌آورد که خود بهترین وسیله درمان یبوست‌های مزمن است.

موسیلاژ دانه *Plantago ovata* Forsk. ، بهتر از پارافین طی مایع ، عمل می‌کند و ارزاتر و بی‌ضررتر از آن است (R. N. chora. Ind. Med. Gasette, August 1930).

پوسته دانه گیاه یعنی *Ispaghula Husk* دارای همان اثر دانه گیاه است. سریعاً جذب آب می‌کند و لعاب غلیظ در آب بوجود می‌آورد .

خواص درمانی - دانه گیاه دارای اثر نرم کننده و رفع التهاب است. در درمان دیسانتری و رفع اختلالات صفراوی دستگاه هضم مؤثر واقع می‌گردد. با وارد کردن دانه گیاه در آب، ضماد خوبی با اثر نرم کننده تهیه می‌شود. اگر دانه گیاه در مقدار زیادتری آب وارد شود، بر اثر باز شدن، موسیلاژ فراوان در آن وارد می‌سازد که می‌توان از آن به‌عنوان نرم کننده در تمام موارد التهابی استفاده بعمل آورد.

مقدار مصرف پوسته دانه از نظر رفع یبوست‌های مزمن و بعنوان ملین ۳ تا ۵ گرم است ولی گرد دانه به‌مقدار ۳ تا ۵ گرم می‌تواند مصرف شود.

باقرار دادن له شده دانه در مقدار کمی سرکه و روغن، ضمادی تهیه می‌شود که می‌توان در رماتیسم و نقرس باقرار دادن آن بر روی ناحیه متورم عضو، نتایج مفید به‌دست آورد. خیسانده ۱-۵ گرم دانه در آب که مقدار کمی شکر بدان افزوده باشند، نتایج مطلوب در دیسانتری به‌منظور رفع تحریکات روده و سهولت دفع مدفوع بوجود می‌آورد. دم کرده دانه گیاه مذکور دارای مناسبی جهت درمان و رفع تحریکات مخاط مجاری ادرار و تسکین ناراحتی‌های آن است (Koman).

دانه گیاه بعلاوه بطور ملایم اثر مدر و قابض دارد و می‌توان آنرا پس از وارد کردن در آب نارگیل، مصرف نمود.

پوسته دانه این گیاه به‌فرمول زیر، تحت نام *Angiolax* در بازارهای داروئی وجود دارد:

پوسته دانه	۰۴۲۲	درصد
میوه سنا	۰۱۳۴	»

برای رفع بیوست‌های مزمن، مخلوط فوق‌را به مقدار ۱ تا ۳ قاشق چایخوری در کمی آب وارد کرده پس از چند دقیقه مصرف نمایند. روزانه می‌توان در صورت نیاز، ۲ دفعه در روز آنرا مصرف کرد.

محل رویش - گیلان: رشت و قزوین، بین منجیل و رودبار، حاشیه سفیدرود، همدان، لرستان: پشت کوه، مهران، شهبازان، خوزستان: اهواز، بهبهان، شوش، چکاب، بین شوش و دهلوران، فارس: بوشهر، بین شیراز و پرسپولیس، لار، بندرلنگه، بندرعباس، جزیره قشم، کرمان: چیرفت، مکران و خراسان: سرچاه.

Piantago amplexicaulis Cav.، گیاهی یکساله یا پایا، پوشیده از تار، بدون ساقه و یا دارای ساقه کوتاه است. برگهای دراز و نولک‌تیز، به طول ۷-۱۰ و به عرض ۰٫۱ سانتیمتر، منتهی به دم‌برگ غلاف‌دار و ساقه آغوش‌دارد. در طول پهنک آن، ۰٫۵ رگبرگ سراسری مشاهده می‌گردد. مجموعه گل‌های آن به صورت سنبله‌های تخم‌مرغی-بدور ظاهر می‌شود. میوه‌اش پوشینه، به طول ۰ میلی‌متر، به رنگ قهوه‌ای روشن و محتوی ۲ دانه تقریباً سیاه‌رنگ است. این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی جنوبی آسیا و استناد آن تا بلوچستان، یونان و مصر پراکنندگی دارد.

خواص درمانی - از نظر درمانی مشابهت زیاد با *P. ovata* دارد. دارای اثر قابض است و در رفع بیماریهای سینه، ارزش زیادی برای آن قائل‌اند. در درمان تب‌نویه، اثرات مفید ظاهر می‌کند.

محل رویش - جنوب غربی ایران: دالکی، شوش: کوه بیجت، دهلوران، بلوچستان سواحل بندر انزلی (Fl. Iran).

در فلورا - ایرانیک، به جای گیاه مذکور، دوگونه فرعی: یکی به همان نام‌گونه اصلی و دیگری به نام *subsp. bauphula* (Edg.) Rech. f در بعضی از نواحی غربی و جنوبی ایران ذکر شده است.

ساختمانی جنین (خمیده و نعل اسبی شکل) در آنها طوری است که عموم تیره‌های گیاهان اخیر در راسته مشخصی به نام Centrospermales، جای داده شده‌اند. گیاهان اخیراً، امروزه در حد واسطه گیاهان بی‌گلبرگ حقیقی و گیاهان جداگلبرگ، طبقه‌بندی می‌نمایند.

تیره‌های، Lauraceae، Monimiaceae، Elaeagnaceae، Thymelaeaceae و Myristicaceae در غالب رده‌بندی‌ها در بین گیاهان جدا گلبرگ ولی مجاور گیاهان بی‌گلبرگ آورده شده‌اند ولی در این کتاب بطوریکه دو تیره اخیر شرح داده شد، بعلت شباهت بعضی از اختصاصات توأم گروه‌های مختلف و پیروی از رده‌بندی بواسیه و انطباق با Flore de l' Iran و رده‌بندی‌های مشابه، در بین گیاهان بی‌گلبرگ شرح داده شده‌اند (Perrot, M.).

فیتولاکامه Phytolaccaceae

گیاهانی به‌صورت مختلف علفی، درختچه یا درخت و گاهی بالا رونده‌اند. مجموعاً از ۱۷ جنس و ۱۰۰ گونه، تشکیل می‌یابند^(۱). پراکنندگی آنها به صورتی است که عموماً در مناطق گرم‌کره‌زین و فقط معدودی از آنها در نواحی معتدله یافت می‌شوند^(۲).

این گیاهان، برگهای متناوب ساده، بدون استیبول و گلپایه‌ی بردو نوع نروماده، یک‌پایه یا دوپایه (گاهی نر- ماده)، معمولاً منظم و مجتمع به‌صورت سنبله یا خوشه یا گرزن دارند. پوشش گل آنها، ۴ یا ۵ قسمتی (بندرت ۸ تا ۱۰ قسمتی)، ساده یا مضاعف و محتوی ۸ تا ۱۰ برچم آزاد یا برچم آزاد یا کم‌ویش پیوسته به هم است. مادگی‌های آنها مرکب از ۱ تا ۱۰ برچه آزاد یا متصل و محتوی یک تخمک خمیده در هر برچه می‌باشد. از جنس‌های مهم این تیره، Phytolacca (دارای ۴ گونه) و Limeum (دارای ۲ گونه) را نام می‌بریم. میوه آنها غالباً سته است.

در بین گیاهان این تیره منحصرأ یک گونه از Phytolacca ها به شرح زیر در ایران وجود دارد که آن‌هم از نظر درمانی ارزش چندانی ندارد.

۱- در بعضی کتب علمی، تعداد جنس‌های این تیره، ۱۴ و تعداد گونه‌های آن ۱۰۰ ذکر شده است (Pharmacognosy G. E. Trease 1983).

۲- گیاهان تیره Phytolaccaceae، به علت دارا بودن جنین خمیده و مشخصات دیگر در راسته Centrospermales جای داده می‌شوند.

بخش سوم

گیاهان بی‌گلبرگ

گیاهان به‌گلبرگ، گروه غیر متشابهی از گیاهان گلدار را تشکیل می‌دهند که در آنها، گل فاقد جام است ولی در بین آنها انواعی یافت می‌گردد که کاسه‌ای مرکب از قطعات رنگین، شبیه جام دارند و یا آنکه در بعضی دیگر، گلها به‌علت فاقد بودن پوشش ویا دارای بودن کاسه رشد نیافته، کاملاً برهنه جلوه می‌نمایند.

در انواعی از این گیاهان مانند تیره‌های Juglandaceae، Salicaceae و غیره که گلها، عاری از پوشش و یا منحصرأ دارای کاسه رشد نیافته است، مجموعه گل به‌صورت نوعی سنبله مخصوص به نام شاتون (Châton) در می‌آید و بعلاوه، گلها در این گیاهان بردو نوع نر و ماده می‌باشد. مادگی آنها معمولاً دیرتراز پرچم‌ها، رشد و نمو حاصل می‌کند و به همین علت نیز، انجام کرده افشانی غیر مستقیم در آنها ضرورت پیدا می‌نماید. ساختمان کلاله آنها غالباً به‌صورتی است که دانه‌های گرده پراکنده را به‌سهولت جذب می‌کند. تخمک‌های آنها معمولاً از نوع راست و یک‌غشائی می‌باشد.

در عده‌ای دیگر از این گیاهان مانند تیره Urticaceae، گلها به‌صورت مختلف نر- ماده و یا بردو نوع نروماده است بعلاوه کاسه گل در آنها مشخص و به‌رنگ سبز می‌باشد. در این گیاهان چون پرچمها به‌جای آنکه وضع متناوب با قطعات کاسه گل داشته باشند، بر آنها منطبق‌اند، چنین نتیجه گرفته می‌شود که این گیاهان در آغاز دارای گلپایه با پوشش مستقل بوده‌اند بعداً پوشش داخلی آنها تدریجاً از بین رفت بطوری که با حذف این پوشش، پرچمها وضع منطبق بر- قطعات کاسه گل پیدا نمودند.

در عده‌ای از گیاهان بی‌گلبرگ نیز مانند تیره Santalaceae، تخمکها معمولاً فاقد غشاء است، بعلاوه در بین آنها نمونه‌های متعددی یافت می‌گردد که به‌حالت طفیلی به سر می‌برند. در برخی دیگر از گیاهان بی‌گلبرگ، مانند تیره‌های Amaranthaceae، Chenopodiaceae و غیره گلها غالباً نر- ماده است بعلاوه پوشش گل در بعضی از آنها مضاعف می‌باشد. نوع تمکن و وضع

Phytolacca decandra Linn.

Ph. americana L. ، Ph. vulgaris Crantz.

فرانسه : Raisin des teinturiers ، Raisin d' Amerique ، Phytolaque

انگلیسی : American Poke - weed ، Vermilion plant ، Ink - bush

آلمانی : Scharlachbeere ، Amerikanischer-Nachtschatten ، Kermesbeere

یتالیائی : Erba cremesina ، Uva d' America ، Amaranto ، Fitolacca

عربی : حمرة ، صبغه (Sabghah) ، صباغه ، عنب امریکا

گیاهی علفی، چندساله، دارای ریشه ضخیم و ساقه‌ای منشعب، گوشندار، به ارتفاع ۱ تا ۳ متر است. در حاشیه مزارع و جاده‌ها، اماکن سرطوب و سایه‌دار، مخصوصاً نواحی متروک و حدود آبادیها می‌روید.

اعضای هوایی آن دارای رنگ سبز یا لکه‌هائی به رنگ بنفش و قرمز است از این جهت غالباً به رنگ سبز مایل به قرمز جلوه می‌کند. منشاء اولیه این گیاه در امریکای شمالی بوده است ولی امروزه به علت پراکندگی وسیعی که در کره زمین پیدا نموده، در غالب نواحی مخصوصاً مناطق گرم و معتدل بدان برخورد می‌شود. از مشخصات آن این است که برگهائی بیضوی دراز نوک‌تیز، عاری از دندانه، فاقد هرگونه تار و به طول ۱ تا ۲ سانتیمتر دارد. گل‌های آن کوچک، گلی‌رنگ و مجتمع به صورت خوشه‌های باریک، به درازای ۱ تا ۲ سانتیمتر می‌باشد و پس از آمیزش نیزه‌ریک به میوه‌ای به صورت سته، به رنگ بنفش و محتوی شیره‌قرمز رنگ تبدیل می‌شود. در داخل پوشش گل این گیاه، ۱۰ پرچم و یک مادگی منتهی به ۱ خانه جای دارد.

قسمت سورد استفاده این گیاه کلیه اعضای آن است.

ترکیبات شیمیائی - قسمتهای مختلف این گیاه دارای گلوکزیدی به نام **فیتولاکسین** (phytolaccine) است که نوعی ساپونین می‌باشد. این گلوکزید به حالت خالص، به صورت گرد سفیدرنگ و محلول در آب و الکل به دست می‌آید. بر اثر هیدرولیز، سادی نظیر **ساپوژنین** (sapogenine)، لولز، گالاکتوز و دکستروز از آن به دست می‌آید. علاوه بر این گلوکزید، سواد-رزینی و پکتیکی، آسپاراژین (asparagine)، اسید **فیتولاکسیک** (phytolaccic acid) و همچنین یک فرمان اکسیدکننده نیز در آن وجود دارد.

میوه ودانه این گیاه دارای تانن، ماده روغنی به رنگ زرد مایل به قهوه‌ای، نوعی ساپونین، سوسیلاز و یک ماده ملون به رنگ قرمز است. این ماده رنگی، در صنعت مصرف زیاد دارد. ضمناً چنین شهرت دارد که اگر گوشت پرندگانی که از میوه این گیاه تغذیه می‌کنند، مصرف‌گردد

اثر مسهلی شدید ظاهر می‌شود.

سمیت - مصرف مقادیر زیاد و پی‌درپی فرآورده‌های این گیاه، نوعی سمومیت ظاهر می‌کند که با مصرف شیرازین می‌رود.

خواص درمانی - میوه این گیاه دارای اثر مسهلی و اعضای مختلف آن مانند ریشه، اثر قوی‌آور دارد. قسمتهای مختلف گیاه اگر به مقادیر زیاد مصرف شود، ابتدا قوی و اسهال‌ایجاد می‌کند



ش ۵۶ - Phytolacca decandra : شاخه گلدار (اندازه طبیعی)، گل و میوه (بزرگتر از طبیعی)

سپس حرکات قلب تدریجاً کند می‌شود. تجربه نشان داده است که با مصرف مقدار غیردرسانی آن، تحرك و حساسیت، فلج می‌گردد. گرد ریشه گیاه به شدت عطسه‌آور است. مؤثرترین قسمت این گیاه، ریشه آن است ولی برگ و میوه گیاه نیز مانند ریشه، اثر قوی‌آور

ظاهر می‌نمایند. در بعضی از نواحی امریکا، از این گیاه برای مصارف درمانی مختلف استفاده بعمل می‌آورند ضمناً به‌عنوان ضد رماتیسم و ضد اسکوریوت در بعضی نواحی مصرف می‌شود. برای آن اثر مخدر ملایم نیز ذکر شده است (مارتیندال ۱۹۸۲).

ریشه این گیاه را به‌مقدار ۵ ر. تا ۳ ر. گرم، جهت درمان سوداء، دانه‌های جلدی مزمن، بواسیر و غیره به کار می‌برند. در حبشه اعضای این گیاه جهت دفع کرم و در چین برای درمان سکنه مصرف دارد ضمناً دارای اثر ضد باکتری در مقابل استافیلوکوک و قارچ‌ها است. با آنکه سابقاً در امریکا، از شیر میوه آن که تحت اثر گرمای خورشید، تغلیظ یافته باشد، جهت رفع سرطان مخصوصاً درمان زخمهای سرطانی استفاده بعمل می‌آورده‌اند معهداً، بررسی‌های متعدد نشان داده که فاقد این اختصاص درمانی است.

صورداروئی - گرد اعضای گیاه به‌مقدار ۵ ر. جهت رفع سوداء و بواسیر و ۵ ر. تا ۶ ر. گرم به‌عنوان قی‌آور - عصاره روان به‌مقدار ۱ تا ۳ قطره در هر ۳ یا ۴ ساعت - فیتولاکسین به مقدار ۰.۶ ر. تا ۲ ر. گرم به‌عنوان صفرابر مصرف می‌شود.

در استعمال خارج، از گرد ریشه گیاه نوعی پماد تهیه می‌شود که از آن برای درمان بعضی بیماریهای جلدی مانند جوشهای چرکین صورت (ناحیه بالای لب)، ریزش موی سر و پیدایش لکه‌های کوچک عاری از مو، استفاده می‌گردد.

سحل رویش - گیلان: شفت: نصیرسحله (پیمان زرگری)، اطراف رشت، راه چالوس به راسر، بندر انزلی به آستارا (عبدالعلی منتظر)، گرکانرود، لاهیجان، گرگان: نزدیک بندرگز، سازندران: دره هراز، کره‌زنک، آمل.

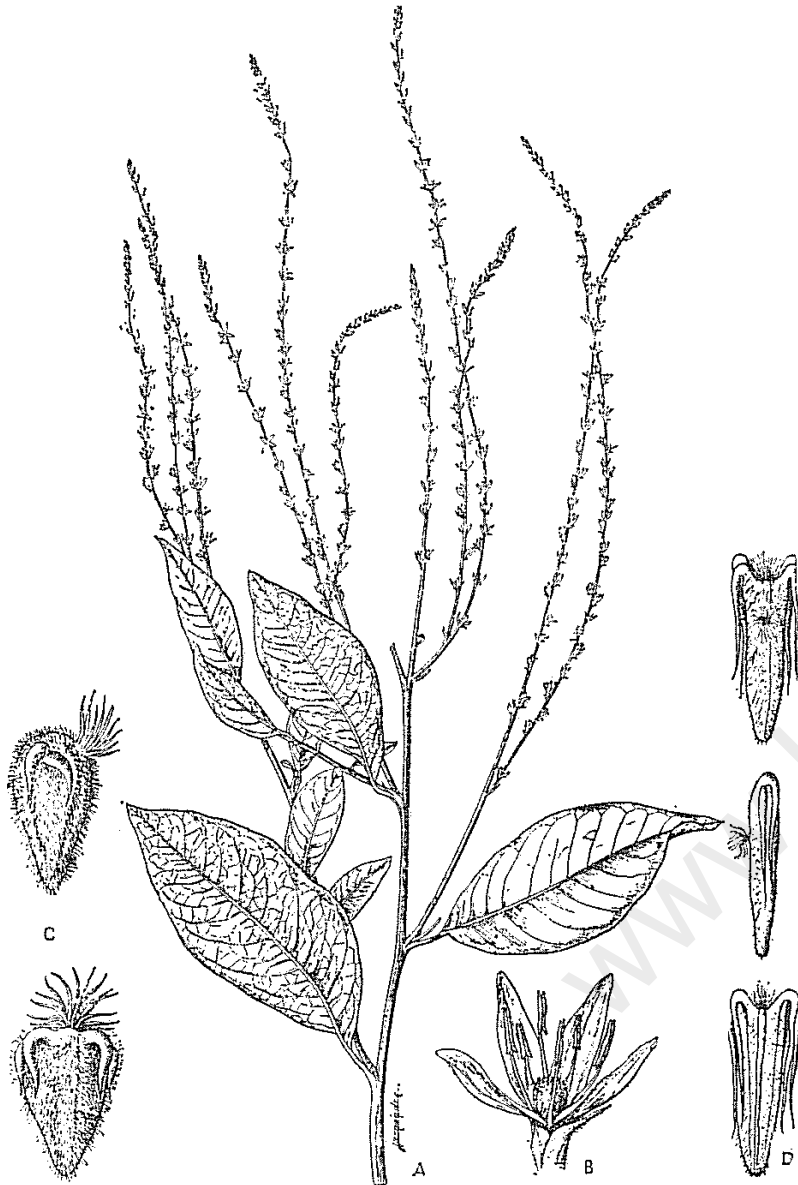
از انواع دیگر این گیاهان، نمونه‌های مفید زیر را ذکر می‌نمائیم:

۱- *Phytolacca dioica* L. *، در آرژانتین می‌روید و میوه‌های آن خوراکی است.

۲- *Phytolacca acinosa* Roxb. * - گیاهی علفی و دارای ساقه‌ای باقاعده نسبتاً چوبی، به ارتفاع ۱ تا ۱٫۵ متر است. در چین می‌روید. برگهای ساده، کامل، بیضوی، نوک‌تیز و گلپهائی به‌رنگ سفید مایل به خاکستری دارد. میوه‌اش گوشه‌دار و به‌رنگ آبی تیره است. ریشه گیاه مصارف درمانی و طبعی تلخ، شورسزه و تند دارد. مانند گیاه قبلی دارای فیتولاکسین است. مصرف آن ایجاد قی و اثر سمبلی با تهوع نسبتاً پایدار می‌کند. مصرف بی‌رویه آن، تعداد حرکات تنفسی را کم و عمل قلب را تضعیف می‌نماید.

ریشه گیاه در نواحی سحل رویش به‌عنوان مدر در سوارد آب آوردن انساج (Hydropisie)،

به‌مقدار ۳-۵ گرم مصرف می‌شود (Chinese herbs pp. 144 - 45).



ش ۵۷ - *Priveria alliacea*: شاخه گلدار (۳ برابر)، گل (۷ برابر)، تخمدان، میوه

۳- *Petiveria alliacea* L. گیاهی است که منشاء اولیه آن در اسرئیل مرکزی بوده و از آنجا به نواحی دیگر راه یافته است. از قسمت های هوایی و اسانس دار آن برای مصارف درمانی استفاده می کنند مانند آنکه دم کرده آن بعنوان مدر، قاعده آور، و معرق مصرف می شود ضمناً در تهیه کورار مورد استفاده قرار می گیرد. اسانس آن بوی سیر می دهد.

از انواع دیگر آن *P. tetrandra* Gam. * و *P. hexaglochin* Fisch. * را نام می بریم که در برزیل می رویند و اثر مدر دارند.

۴- *Anisomeria drastica* Moq. * ، در اسرئیل جنوبی می روید و ریشه اش اثر سسهلی شدید دارد.

۵- *Mohlana nemoralis* Mart. * گیاهی است که در اسرئیل جنوبی می روید و ریشه اش توسط بومیان محل رویش بعنوان تب بر و برگ آن، به مصارف دفع طفیلی می رسد.

۶- *Rivina tinctoria* Hem. * - در تکزاس، آرژانتین و ویرجینیا می روید و از میوه اش نوعی ماده الکی استخراج می شود.

تیره اسفناج Chenopodiaceae

(Salsolaceae)

تیره بزرگی مرکب از ۱۴۰۰ گونه گیاه در ۱۰۳ جنس است. گیاهان فراوان آن دارای وضع پراکنده در غالب نقاط کره زمین مخصوصاً در مناطق خشک و یابری می باشند. در بین آنها نمونه هایی یافت می شود که متفاوت به زندگی در زمینهای دارای کلوروسدیم فراوان (Halophile) و یا دارای اصلاح آسونیاکی و نیتراتها، سازش حاصل کرده اند. بعضی از این گیاهان، آنچنان به زندگی در نواحی گرم و ناساعده، عادت نموده اند که وسعت پهناوری از این نوع مناطق، ممکن است پوشیده از آنها دیده شود.

گیاهانی به صورت مختلف علفی، یکساله، دوساله یا پایا و یا به صورت بوته های با اعضای چوبی (بندرت درختچه) می باشند. بعضی از آنها مانند *Salicornia* ها، اعضای هوایی گوشتدار و بندبند دارند. برگهای آنها ساده، متناوب (گاهی گوشتدار)، بدون استیبول و گاهی کاملاً رشد نیافته است. لتهائی نر- ماده یا بردنوع نروماده، بر روی یک یادو پایه و مجتمع به صورت گرزهای

مترکم دارند. کاسه گل آنها مرکب از ۲ تا ۴ (بندرت یک) قطعه است. برخی از آنها نیز ممکن است اصولاً فاقد هرگونه پوشش گل باشند. مادگی گل های آنها از ۲ (بندرت ۳ تا ۵) برچه تشکیل می یابد که مجموعاً تخمدانی یک خانه و محتوی یک تخمک خمیده باغشای مضاعف، بوجود می آورند.

میوه آنها فندقه یا پوشینه و غالباً محصور در پوشش گل است.

اختصاصات تشریحی - در انواع یکساله این گیاهان، ریشه وساقه دارای ساختمان تشریحی طبیعی مانند سایر گیاهان دیگر است ولی در انواع دوساله و پایای آنها، دسته های چوب- آبکش بر روی حلقه های متعدد و متحدالمرکز و یا به وضع غیرطبیعی دیگر به صورت زیر دیده می شود:

در *Noaea* ها که عموماً ساقه های سخت و چوبی شده دارند، دسته های کوچک و متعدد چوب- آبکش، به وضع معکوس در ناحیه پوست ساقه دیده می شود. در بعضی دیگر از این گیاهان نیز، آبکش داخلی (آبکش در داخل منطقه چوب و حتی نزدیک مغز) مشاهده می گردد و یا صفات غیرطبیعی دیگر بچشم می خورد.

در سطح برگ آنها متفاوت، تارهای مخروطی و یا پایه دار و منتهی به سلول مدور دیده می شود. این سلولها معمولاً عمل ذخیره آب را عهده دارند. از خشک شدن این تارها، گرد آرد- ماندی که بقایای آنهاست، بر روی سطح برگها باقی می ماند که در عده زیادی از گیاهان این تیره بدان برخورد می شود.

از نظر درسانی، نمونه های سهم و باارزش در بین این گیاهان کم است بطوری که منحصر از معدودی از آنها، آن هم برای مصارف نظیر دفع کرم، دفع حشرات و غیره استفاده می گردد. بعضی از این گیاهان مانند اسفناج به مصارف تغذیه می رسند. ریشه متورم برخی از این گیاهان نیز مانند چغندر دارای اهمیت زیاد از نظر استخراج قند می باشد.

از جنس های مهم این تیره، *Chenopodium* (دارای متجاوز از ۱۰۰ گونه)، *Atriplex* (۱۰۰ گونه)، *Suaeda* (متجاوز از ۱۰۰ گونه)، *Salsola* (متجاوز از ۱۰۰ گونه)، *Salicornia* (دارای حدود ۵۰ گونه)، *Anabasis* (۱۰۰ گونه) و *Beta* (دارای ۲ گونه) را نام می بریم.

انواع داروئی آنها به شرح زیر است:

* *Chenopodium ambrosoides* Var. *anthelminticum* A. Gray.

فرانسه : Ansérine vermifuge ، Ch. anthelminthique ، Chénopode vermifuge
 انگلیسی : American Wormseed ، Jerusalem's oak ، (۱) Chenopodio
 آلمانی : Wurmtreibender Gänsefuß

گیاهی است علفی، چندساله و دارای ساقه منشعب و شیاردار که منشأ اصلی آن، امریکا بوده و از آنجا تدریجاً بر اثر پرورش های مداوم به نواحی دیگر انتقال یافته است. از مشخصات آن این است که برگهایی متناوب، دراز، نولک تیز، به رنگ سبز روشن و پهنکی با دندانهای ناساوی دارد. در سطح تحتانی برگهای آن نیز، دسته های تار به وضع مخصوصی در امتداد رگبرگها دیده می شود. گل های آن زرد رنگ و مجتمع به صورت دسته های کوچک فاصله دار در طول پایه کوتاهی در کناره برگهاست. در هر یک از مجموعه گل های آن، یک گل نر - ماده یا نر در وسط تعدادی گل های ماده و بدون پایه دیده می شود. میوه آن به صورت فندقه، دارای شکل کروی، به قطر ۰۱ میلی متر و به رنگ سبز یا مایل به قهوه ای است. در داخل میوه نیز که خود محصور در قسمتی از کاسه گل است، یک دانه عدسی شکل جای دارد. طعم آن تند و معطر و بوی آن، ترپانینی، شبیه بوی اوکالیپتوس می باشد. معادل ۰۶ ر. تا ۳ درصد نیز اسانس در میوه این گیاه وجود دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، میوه و سرشاخه های آن است. پرورش آن در اتازونی، جاوه و نقاط دیگر معمول می باشد. برداشت محصول، یعنی جمع آوری سرشاخه و میوه این گیاه، باید قبل از رسیدن کامل میوه، صورت گیرد و بلافاصله نیز عمل اسانس گیری انجام شود زیرا در صورت تأخیر، مواد فرار آن به سرعت کاهش خواهد نمود.

اسانس کنوپود Essence de Chénopode ، از سرشاخه ها، میوه یا ساقه برگدار و ساقه میوه دار و حتی از گیاه کامل تهیه می شود. رانسان عمل نیز اگر میوه گیاه تقطیر گردد، معادل یک درصد ولی اگر سرشاخه ها برای این کار مورد استفاده قرار گیرد، مقدار آن کمتر و در حدود ۰۳ ر. درصد می باشد.

اسانس کنوپود، مایعی بیرنگ یا سایل به زرد است. طعم کمی تلخ و سوراننده و یوئی

۱ - این گیاه در غالب کتب داروئی به صورت مذکور ولی در بعضی کتب علمی، تحت نام های Ch. anthelminticum L. و یا Ch. ambrosoides L. وارد شده است.

۲ - برخی از نام های مذکور، مانند نام انگلیسی، اختصاص به دانه گیاه دارد.

نافذ و نامطبوع دارد. در گرمای ۱۰ درجه، دارای وزن مخصوصی بین ۰۹۶ و ۰۹۹۰ (حتی بیشتر) است. اسانس کنوپود در صورت تازه بودن، در ۳ تا ۱۰ قسمت الکل ۷۰ درجه ولی به مقادیر زیادتر در اتر اتیلیک و کلروفرم حل می شود.

ترکیبات شیمیائی - قسمت اعظم اسانس کنوپود یعنی ۶ تا ۲۰ درصد (در بعضی کتب علمی تا ۸ درصد) آنرا، آسکاریدول ascaridol تشکیل می دهد بعلاوه دارای معادل ۰۵ گرم درصد سالیسیلات متیل و مخلوطی از هیدروکربورهای مختلف می باشد که در بین آنها، مقدار درصد سیمن Cymène، از همه بیشتر است. اسیدهای چرب فرار نیز مخصوصاً اسید بوتیریک در آن یافت می شود.

گاهی به جای اسانس کنوپود، مخلوطی از اوکالیپتول، مانتول، استات آمیل و سیترونل - لال، در معرض استفاده قرار می گیرد در حالی که اثر درمانی، مخلوط اخیر، به پایه اسانس کنوپود نمی رسد.

آسکاریدول Ascaridole (آسکاریزین Ascarisin)، نوعی پراکسید آلی است که ۶ تا ۸ درصد اسانس کنوپود را تشکیل می دهد. به فرمول $C_{11}H_{14}O_2$ و به وزن ملکولی ۱۶۸٫۲۳ است. ستز آن از آلفا - ترپینن (α -terpinene)، به کمک اکسیژن، کلروفیل و نور توسط Ziegler و Schenck (۱) و تصفیه آن بوسیله Beckett و همکارانش (در سال ۱۹۰۰) صورت گرفته است.

آسکاریدول، حالت مایع و ناپایدار دارد. در الکل، تلوئن و روغن کرچک محلول است. از نظر درمانی دارای اثر ضد کرم می باشد.

خواص درمانی - اسانس کنوپود اثر کرم کشی قوی دارد. مصرف ۱-۲ تا ۲ سانتی متر مکعب آن در اسب، که آسکاریدهای آن معمولاً بسختی دفع می شوند، موجب می گردد که ۹۰ درصد این طفیلی ها بکلی از بین بروند بعلاوه اثر آن قوی تر از اسانس اوکالیپتوس، نافتول بتا و تیمول، در مورد دفع آنکی لوستوم ها، آسیب دیسانتری و آسکاریدهاست. فقط اثر اسانس - کنوپود بر روی کرم کدو، تریکوسفال و اکسیورا کم می باشد.

مصرف اسانس کنوپود باید در کمال دقت در انسان صورت گیرد زیرا مقادیر خیلی کم آن بی اثر و مقدار خیلی زیاد آن نیز خطرناک و سسموم کننده است بطوری که عوارض عصبی، سرگیجه و حتی کری بوجود می آورد. از این جهت باید موقعی این اسانس را جهت دفع کرم، آنها هم با رعایت نهایت احتیاط مصرف کرد، که وجود طفیلی ها، با آزمایشهای لازم در مدفوع محقق شده باشد.

اسانس کنوپودرا نباید برای بیماران مبتلا به کم‌خونی و ناراحتی‌های ششوائی تجویز نمود. موارد متجز به‌مرگ نیز از مصرف بی‌رویه این اسانس پیش‌آمده است از این جهت است که مصرف اسانس کنوپود، امروزه بر اثر خطراتی که ممکن است به‌علت عدم رعایت احتیاط پیش آید، کمتر معمول می‌باشد. ضمناً مصرف این گیاه بمنظور معطر ساختن فرآورده‌های مختلف ممنوع گردیده است.

صورت‌داروئی - برای دفع کرم، ۳ کپسول که هر یک محتوی ۱۰ قطره از اسانس کنوپود است مصرف می‌شود. بدین نحو که کپسول اول را در صبح ناشتا و ۲ کپسول دیگر را هر یک به فواصل یک ساعت پس از مصرف کپسول اول به کار می‌برند. سپس یک سهیل نمکی مانند سولفات سنیزی (Hinglais)، میل می‌کنند.

مقدار مصرف اسانس کنوپود در اطفال ۱۰ تا ۱۵ ساله، ۳ کپسول (هر یک محتوی ۱۰ قطره) و برای کودک کان ۶ تا ۱۰ ساله، یک کپسول است.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

در بین این گیاهان، گونه‌هایی با ارزش درمانی کمتر نیز وجود دارد که از بین آنها، به شرح انواع موجود در ایران مبادرت می‌شود:

Chenopodium album L.

Ch. paganum Reichb. ، Ch. viride L.

فرانسه : Poule grasse ، Ansérine blanche ، Chénopode blanc
انگلیسی: Black - Weed ، White goose foot ، Lamb's quarters
آلمانی : Weisse melde ، Gruner-Gänsefuss ، Weisser-Gänsefuss
ایتالیائی: Atriplice salvatico ، Farinaccio ، Chenopodio bianco
عربی : فساء الکلاب

گیاهی است علفی، یکساله و دارای ساقه راست و زاویه‌دار که به‌حد وفور در نواحی مختلف اروپا و همچنین در غالب نواحی آسیا و ایران به‌حالت خودرو می‌روید و در تاریخچه آن چنین آمده است که سردمان ماقبل تاریخ از آن برای مصارف تغذیه استفاده بعمل می‌آورده‌اند. محل رویش آن بیشتر در باغها، اماکن سایه‌دار و زمین‌های برگردان شده است. از مشخصات این گیاه آنستکه برگ‌هایی دندان‌دار یا کامل و نوک‌تیز و گل‌هایی بوضع مجتمع در کناره برگها دارد. دانه‌اش صاف، لغزنده و دارای کناره تیزاست.

از برگ‌های این گیاه مانند برگ اسفناج، در تغذیه استفاده بعمل آورده می‌شود. در بعضی

نواحی کشور روسیه، آرد دانه این گیاه به‌آردگندم جهت تهیه نان افزوده می‌گردد. فقط باید توجه داشت که اگر دانه آن به‌طور کامل نرسیده باشد، ناراحتی‌های هضمی مانند اسهال، قی و غیره بوجود می‌آورد.

قرکیمبات شیمیائی - کلیه قسمت‌های گیاه دارای اسانسی است که در آن آسکاریدول وجود دارد. بعلاوه دارای ساپونین، موسیلاژ، یک اسید آمینه به نام لوسین Leucine و یکی از مشتقات کولین است.

خواص درمانی - بطور ملایم، اثر مدر، سلین و آرام‌کننده دارد. در برخی نواحی از آن به‌عنوان تسکین و رفع بواسیر استفاده بعمل می‌آورند. مصرف آن از نظر درمانی در همه‌جا عمومیت ندارد و بیشتر از آن در تغذیه استفاده می‌شود. بعضی از محققین معتقدند که استفاده از آن در استعمال خارج، اثر جلوگیری‌کننده از ریزش سوی سر دارد. برای آن اثر درمان بواسیر نیز قائل‌اند.

محل رویش - غالب نواحی ایران، بندرگز، آذربایجان، تبریز، روسیه، خوی، خراسان؛ بین ییرجند و سراوتپه، بلوچستان و بسیاری از نواحی دیگر ایران مخصوصاً مناطق شمالی.

Chenopodium Botrys L.

Ch. ilicifolium Griff.

فرانسه : Klebrigergänsefuss ، Ansérine botride ، Chénopode à grappe
انگلیسی: Feather geranium ایتالیائی : Botri
گیاهی است علفی، یکساله و دارای ساقه و شاخه‌های راست به ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ سانتیمتر که در نواحی مختلف مدیترانه و غالب نقاط ایران می‌روید. از مشخصات آن این است که برگ‌هایی با بریدگی‌های عمیق و به‌رنگ سبز مایل به زرد بادبیرگی دراز دارد. گل‌های آن به‌رنگ سبز مایل به زرد و مجتمع به‌صورت خوشه‌دار در کناره برگ‌هاست. دانه‌اش تقریباً کروی و صاف می‌باشد.

از کلیه قسمت‌های این گیاه بوی نافذ استشمام می‌گردد و اگر شاخه‌گلدار و یا ساقه برگ‌دار آن در بین انگشتان فشرده شود، به‌علت آزاد شدن اسانس، بوی آن بطور محسوس تر حس خواهد شد.

خواص درمانی - در برخی نواحی از سرشاخه‌گلدار آن به‌عنوان خلط‌آور استفاده بعمل می‌آورند. برای این گیاه اثر ضد تشنج، نیرودهنده و تسکین دهنده آسم نیز ذکر شده است. تأثیر آن بیشتر بر روی دستگاه تنفسی است.

محل رویش - تهران، ری، کرج، نواحی شمالی ایران، تفرش، تران، اشتران کوه، اراک، سودر (کوه زوند)، همدان، شمال غربی ایران: آذربایجان: تپه های جنوبی تبریز، دیلمان،



ش ۵۸ - *Chenopodium Botrys*: شاخه گلدار (به اندازه طبیعی)

۲- گل ۳- بیوه (Hallier)

خسرو، خراسان: اراضی آهکی (در ۱۶۰۰ متری)، دره اترک، بین بجنورد و شیروان (دکتر شهرام یغمائی)، بلوچستان.

Chenopodium murale L.

فرانسه: *Patte d' oie vraie*، *Ansérine des murs*؛ آلمانی: *Mauergänsefuss*؛

انگلیسی: *Wall goose-foot*، *Nettle leaved goose-foot*؛ ایتالیایی: *Zampa d'oca*؛

گیاهی علفی، دارای برگهایی به رنگ سبز مایل به زرد، پوشیده از غباری آرد مانند و گلهایی به رنگ مایل به سبز است. در خاکستر آن، مقدار زیادی اسلح سدیم یافت می شود. برگ آنرا می توان مانند برگ اسفناج مصرف نمود. در طب عوام برای آن اثر دفع کرم قائل اند. این گیاه در غالب نواحی ایران مخصوصاً سواحل دریای شمال، بندرگز، گیلان: ایسپیلی، عمارلو، شیراز و بلوچستان می روید.

Ch. rubrum L.، در آذربایجان: قره داغ، حسن بگلو و ارسباران می روید. برگ آن مانند برگ اسفناج به بصارف تغذیه می رسد.

Ch. Vulvaria L.، ساقه خوابیده و بوی ناپسند دارد. در اعضای مختلف آن سوادی نظیر پروپیلامین، کربنات آمونیاک، نیترات پتاسیم و یک رزین معطر وجود دارد. در انگلستان سابقاً از آن به عنوان ضد تشنج، ضد کرم و قاعده آور استفاده بعمل می آمده است.

این گیاه در نواحی مختلف البرز، شهرستانک (ارتفاعات ۲۰۰ متری)، کرج، آذربایجان تبریز، زنجان و همچنین در خراسان: بجنورد و سراوتپه می روید.

Ch. Bonus - Henricus L. *، ساقه ای به ارتفاع ۰ تا ۴ سانتیمتر و گلهایی به رنگ مایل به سبز دارد. در اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه می روید ولی در ایران یافت نمی شود. برگ آن مانند اسفناج به بصارف تغذیه می رسد. از ساقه اش نیز مانند ساقه مارچوبه، در تغذیه استفاده می شود. از نظر درمانی دارای اثر نرم کننده و التیام دهنده زخم و جراحات می باشد. نام عربی آن، کله طیب (Kullah tayeb) است.

* *Atriplex hortensis* L.

A. heterantha Wigh.، *A. microtheca* Moq.

فرانسه: *Belle - dame*، *Bonne - dame*، *Arroche - des - jardins*؛

انگلیسی: *Butter - leaves*، *Garden - Orach*، *Mountain spinach*؛

آلمانی: *Gartene - Melde*، *Wilder - spinat*، *Grunkraut*، *Gartenmelde*؛

ایتالیایی: *Bietone*، *Bella - dama*، *Atriplice - domestica*، *Spinacione*؛

عربی: *حسن المره* (Husn el marâh)، *قطف ایضی*

گیاهی است علفی، یکساله، به ارتفاع ۰ تا ۳۰ سانتیمتر که منشأ اصلی آن، مناطق

مختلف کشورهای آسیایی بوده، بعداً از آنجا به سایر نواحی مخصوصاً قاره اروپا انتقال یافته است. برگهای آن عموماً منفرد، به رنگ سبز مایل به کبود، مثلث شکل و دارای پهنکی بادندانه‌های فاصله‌دار و نامنظم است. گل‌های آن که در فاصله ماه‌های تیر و شهریور ظاهر می‌گردد، رنگ سبز مایل به زرد دارد و به صورت گل‌آذین خوشه مرکب ظاهر می‌شود. میوه‌اش، کفه‌ای شکل، به طول ۱ میلی‌متر و حتی بیشتر است. محل رویش این گیاه نیز در مزارع و اسکن سایه‌دار می‌باشد. قسمت مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی، برگ، سرشاخه‌های جوان و همچنین دانه‌های آن است.

ترکیبات شیمیایی - در اعضای مختلف این گیاه طبق تحقیقات R.Kobert و L.Kroebert، مقدار زیادی ساپونین یافت می‌شود و از این جهت است که بر روی دستگاه‌های هضم و تنفس و همچنین مجاری ادرار تأثیر می‌نماید. بررسی دانشمندان اخیر ضمناً نشان داد که در اعضای این گیاه مقداری اسیدتانیک وجود دارد. خاکستر حاصل از آن نیز دارای اسید معدنی است.

خواص درمانی - برگ‌های این گیاه دارای طعم ناپسند ولی اثرات درمانی مدر و نرم‌کننده است. از برگ آن جهت رفع اخلاط خونی، بیماری‌های کبدی و مثانه و همچنین رفع زردی، دیسنتری، تنگی نفس و دفع آسکاریدها استفاده می‌شود و اگر منظور، ایجاد لینت نیز باشد، مقداری سلمه‌تره (*Mercurialis annua*) بدان می‌افزایند.

مصرف جوشانده اعضای مفید این گیاه در آب جوجه یا آبگوشت گوساله بدون چربی، جهت رفع بیماری‌های التهابی مجاری ادرار و لوله‌گوارش توصیه گردیده است.

در استعمال خارج، با مخلوط کردن برگ یا سرشاخه برگ‌دار وله شده آن در عسل، نوعی ضماد نرم‌کننده تهیه می‌شود که از آن، جهت رفع آسارس و ناراحتی‌های محل ضرب دیده بدن استفاده می‌گردد. بعلاوه آنرا بر روی محل دردناک عضو، در نقرس اثر می‌دهند.

دانه‌اش اثر مسهلی وقتی آور دارد ولی این اثرات به نحو منظم ظاهر نمی‌شود.

صوردارویی - از برگ گیاه، جوشانده ۳ تا ۶ در هزار با آب تهیه می‌نمایند که از آن به صورت خوردن یا تنقیه استفاده می‌گردد. مقدار مصرف دانه گیاه به عنوان مسهل، ۳ تا ۸ گرم است.

این گیاه از علوفه بسیار خوب برای چهارپایان مخصوصاً گاو است. از کلیه اعضای گیاه نیز معمولاً نوعی ماده رنگی لاجوردی تهیه می‌شود که اگر پارچه پشمی آلوده بدان، به محلول از تات بیسموت وارد گردد، تغییر رنگ حاصل کرده، به رنگ سبز زیتونی در می‌آید.

این گیاه چون در غالب نواحی آسیا پراکنده‌گی دارد، ممکن است در بعضی از نواحی

ایران نیز وجود داشته باشد. واریته‌ای از آن در بعضی از نواحی شمال شرقی و مشرق ایران پراکنده است.

از گونه‌های مفید دیگر *Atriplex* ها، نمونه‌های زیر را ذکر می‌نمائیم:

A. deltoidea Bal. ، *A. hastata* L. - گیاهی علفی با ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر تا

یک متر است. در زمینهای سنگلاخی، اراضی ماسه‌ای، مزارع و کنار جاده‌ها می‌روید. برگ‌های آن ظاهر مثلث شکل، دمبرگ دراز و به هر دو صورت متناوب و متقابل بر روی ساقه دیده می‌شود. گل‌های آن به رنگ مایل به سبز و میوه‌اش محتوی یک دانه قهوه‌ای یا سیاه و شفاف است. تشخیص گیاه به سهولت از روی شکل برگ‌های آن صورت می‌گیرد.

برگ آن اثر نرم‌کننده و میوه‌اش اثر مسهلی دارد. برگ آن مانند اسفناج در اغذیه مصرف می‌شود.

ناسهای عربی آن **سرمیج** (*Sarmag*)، **سرمیق** (*Sarmaq*)، و **قطف** (*Qataf*) است.

محل رویش - نواحی شمال غربی ایران: آذربایجان.

A. Halimus L. * ، *Chenopodium Halimus* Thunb. گیاهی درختچه مانند،

پر پشت و دارای ظاهری به رنگ سفید نقره‌ای است. در نواحی جنوب و جنوب غربی اروپا پراکنده است ولی در ایران نمی‌روید. خاکستر آن دارای مقدار زیادی اسید سدیم می‌باشد.

برگ آن اثر نرم‌کننده دارد. خاکستر حاصل از گیاه در صابون سازی مصرف می‌شود. ناسهای عربی آن **قطف پری** و **ملوح** (*Malúhh*) است.

Spinacia oleracea L.

S. glabra Mill. ، *S. spinosa* Moench.

فرانسسه: *Epinaud Potager* ، *Epinaud* ، انگلیسی: *Garden spinach* ، *Spinage* ،

آلمانی: *Spinat* ایتالیائی: *Spinace* ، *Spinacci* عربی: **اسفناج** (*Isfanákh*)، اسبانیج

فارسی: **اسفناج**

گیاهی علفی، یکساله یا دوساله، دوپایه و دارای ساقه‌ای راست، شیار دار و به ارتفاع ۳ تا ۸ سانتیمتر است. منشأ اولیه آن، نواحی مختلف آسیا مانند ایران و افغانستان تعیین گردیده است. از مشخصات آن این است که ظاهری عاری از کرک دارد. گل‌های آن که در فاصله ماه‌های خرداد تا شهریور پدید می‌آید، دارای رنگ مایل به سبز است. برگ‌های اسفناج، دارای پهنک مثلث شکل، سهم مانند (فلش) و سنتهی به دمبرگ مشخص است. اسفناج به حالت وحشی امروزه وجود ندارد. پرورش آن به علت اهمیتی که در تغذیه دارد، در غالب نواحی جهان

معمول می‌باشد. بررسی‌های مختلف نشان داده است که اسفناج، حاصل اتحاد دوگونه، یکی دارای خار و دیگری بدون خار می‌باشد. عده‌ای از گیاه شناسان درباره منشأ اسفناج چنین عقیده دارند که این گیاه از یکی از گونه‌های وحشی آن که در ایران می‌روید، نتیجه شده است.

قسمت مورد استفاده اسفناج، برگهای آن است.

ترکیبات شیمیائی - اسفناج تازه دارای ۹۳ درصد آب، سواد آلبومینوئیدی، سواد چرب، سواد قندی، کلروفیل، لسیتین، سکرترین، secrétime، ید، فسفر، آهن، ارسنیک، اسلح پتاسیم و کلسیم، مخصوصاً اکسالات‌هاست. اسفناج را از نظر ترکیب شیمیائی و تأثیری که در بدن می‌نماید، می‌توان شبیه Oxalis ها (ترشک) دانست (۱).

دانه اسفناج دارای ۳ تا ۴ درصد ماده روغنی است و روغن حاصل از آن نیز بطوریکه بررسی بعمل آمده، دارای وزن مخصوصی معادل ۰۹۲۰ ر. در گرمای ۱۰ درجه است. اندیس - صابونی و اندیس ید آن بترتیب ۱۸۹ و ۱۴۰ است (Melsier).

خواص درمانی - از قدیم الایام، عقیده مردم بر این بوده است که اسفناج از نظر ارزش غذایی بر سایر سبزی‌ها ترجیح دارد زیرا مقدار درصد سواد ازته و هیپروکربنه آن زیاد است. اسفناج به علت دارا بودن آهن، فسفات‌ها و کلروفیل، برای مبتلایان به کم‌خونی و همچنین کسانی که به علت حوادث، خون زیاد از آنها دفع شده باشد، اثر مفید ظاهر می‌کند. با مصرف اسفناج سهولت دفع سواد از روده بزرگ به خوبی فراهم می‌شود.

اسفناج به علت دارا بودن سکرترین (Dobreff در سال ۱۹۲۴)، اثر نیرو دهنده بر روی ترشحات معده، و روده و لوزالمعده داشته، ترشحات صفرا را افزایش می‌دهد و حرکات دودی - شکل روده را تقویت می‌کند و چون دارای ویتامین A، B، C و D می‌باشد. برای جبران کمبود ویتامین‌های مذکور در بدن بهترین غذاست.

با آنکه غذاهای ساده‌ای که با اسفناج تهیه می‌شود زیاد لذت بخش نیست، معهذالمصروف آن در تغذیه کودکان به عنوان غذای کامل دوره نقاهت، رفع کم‌خونی و کم‌خونی دختران جوان، بیماریهای حاد، بیماریهای مقاوم پوست، اسکوریوت و همچنین به عنوان تقویت اعصاب برای کسانی که کارهای فکری دارند، توصیه شده است.

مصرف اسفناج پخته، در طب عوام برای رفع سرفه‌های خشک، آسم، گرفتگی صدا، بیوست، قولنج‌های کبدی، رماتیسم، نقرس و کمی ترشحات شیر معمول است. در موارد کمبود

۱- نام ترشک به انواع Rumex که گیاهانی از تیره Polygonaceae می‌باشند نیز اطلاق می‌گردد.

ویتامین‌های بدن، مصرف شیر تازه اسفناج، مؤثرتر از اسفناج پخته ذکر شده است.

صورداروئی - اسفناج علاوه بر آنکه به صورت پخته در اغذیه مصرف می‌شود ویا آنکه شیر آن به کار می‌رود، از آن سابقاً نوعی شراب تهیه می‌گردیده که در خون‌ریزها به منظور رفع کم‌خونی سربازان مبتلا به این بیماری به کار می‌رفته است. برای این کار نیز از قسمت شراب و یک قسمت شیر برگهای پخته اسفناج، این شراب را تهیه می‌نموده‌اند.

ناسازگاری - اسفناج نباید برای بیماران مبتلا به ورم مفاصل و سنگهای صفراوی تجویز گردد زیرا اکسالات آن، کسالت بیماران را تشدید می‌نماید. پرورش اسفناج در نواحی مختلف ایران معمول است.

Camphorosma monspeliacum L.

C. hirsutum Stokes. ، *C. ovatum* Biasol.

فرانسه : Camphorine ، Camphrée de Montpellier ایتالیائی : Canforata

انگلیسی: Stinking-ground-Pine ایتالیائی: Kampferkraut عربی: ریحان الکافور

گیاهی چندساله، پایا به ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر و دارای ساقه منشعب، سخت و چوبی است. در منطقه مدیترانه، شمال آفریقا و نواحی مرکزی و غربی آسیا می‌روید. شاخه‌های متعدد و برگهای ریز و فراهم گیاه که عموماً نوک تیز و خشن است باعث می‌گردد که گیاه با ظاهری انبوه جلوه نماید. گلهای آن مایل به سبز است و پس از آنکه آمیزش یافت، میوه کوچکی از آن نتیجه می‌گردد که درون کاسبرگها، محصور باقی می‌ماند.

این گیاه اختصاصاً در نواحی بایروگاهی سواحل دریاها می‌روید. قسمت مورد استفاده آن نیز سرشاخه‌های گیاه است.

خواص درمانی - اطبای قدیم آنرا در رفع آب آوردن انساج، آسم، سیاه سرفه، بیماریهای دستگاه تنفسی، اسهال و دیسانتری مربوط به ضعف اعمال روده، رماتیسم‌های مزمن، قطع حالت - قاعدگی ناشی از ضعف عمومی، نزله مثانه و سوداء مؤثر می‌دانسته‌اند. از کلیه اعضای گیاه، بوی مخصوص و کافوری استشمام می‌شود که مربوط به نوعی اسانس می‌باشد و تا به امروز تحقیقات قابل توجهی درباره آن بعمل نیامده است. مقدار نسبی این ماده در گیاه متغیر می‌باشد. کشت‌های متوالی نیز بوی کافوری و خواص درمانی گیاه را کاهش نمی‌دهد.

در طب عوام، برای این گیاه اثرات درمانی سدر، معرق، خلط‌آور، نیرو دهنده، تسکین - دهنده آسم و قاعده‌آور قائل‌اند. مصرف آن امروزه از نظر درمانی بسیار کم است.

صورداروئی - دم کرده ۱۰ تا ۲۰ گرم گیاه در نیم لیتر آب جوش (به مدت ۱ تا ۱

دقیقه) که با عسل شیرین شده باشد، به مقدار ۳ یا ۳ فنجان در روز - شراب ۲ تا ۴ در هزار (به طریقه خیساندن، به مدت ۸ روز) به مقدار ۳ لیوان کوچک، هر یک محتوی ۶ سانتیمتر کعب در روز بعد از غذا.

معامل رویشی - خراسان؟

Nanophytum juniperinum Mey. * - این گیاه در عربستان و کاپ می‌روید و به مصارف داروئی مختلف مانند درمان آسم و مالاریا می‌رسد ضمناً بعلت دارا بودن اثر سرد و معرق، برای معالجه بیماریهای مختلف و مجاری ادرار مصرف می‌شود.

Salicornia herbacea L.

S. Perennis Mill. ، *S. stricta* Willd.

فرانسه: *S. herbacée*, *Salicorne commune* انگلیسی: *Sampshire* ، *Glasswort* ؛

آلمانی: *Glasschmalz* ایتالیائی: *Salicornia erbacea* عربی: خریس، قلی (Qalli)

گیاهی است یکساله و دارای ساقه گره دار و ناهموار، به ارتفاع ۱ تا ۴ سانتیمتر و حتی بیشتر که در شوره زارها و سواحل دریاها می‌روید. در غالب نواحی اروپا، آفریقا و آسیا نیز پراکنده است. از مشخصات آن این است که ظاهری عاری از برگ و رنگ سبز یا سبز مایل به قرمز دارد. برگهای آن دارای وضع متقابل در محل بندهای ساقه و حالت رشد نیافته اند که در تمام طول ساقه، در محل بندها، به صورت ۲ غلاف پیوسته به هم ظاهر می‌شوند. گلهای آن که در ماههای مرداد تا مهر پدید می‌آید، رنگ مایل به سبز دارند. میوه اش کوچک و محتوی دانه پوشیده از تار است.

ترکیبات شیمیائی - اعضای این گیاه دارای متجاوز از ۳ درصد آب و ترکیباتی نظیر مواد ازته به مقدار ۱۱ درصد و مواد هیدروکربنه در حدود ۳ درصد است بعلاوه دارای استرول، کولین، بتائین، فلوپان و به مقدار بسیار کم از اسید اکسالیک است ولی با آنکه گیاه اغلب در سواحل دریا یافت می‌شود، فاقد ید می‌باشد.

خواص درمانی - ضد اسکوربوت بسیار قوی و دارای اثر مقوی، تسهیل کننده عمل هضم تصفیه کننده خون و مدر است بعلاوه غذای مناسبی برای مبتلایان به آوره خون و فقریت می‌باشد. مصرف آن در موارد ورم احشاء و طحال، مخصوصاً در بیماری مالاریا، اثر مفید ظاهر می‌کند.

صورداروئی - به صورت خام (سالاد) و یا پس از قرار دادن در سرکه مصرف می‌شود. بعلاوه قطعات آنرا ممکن است مانند لوبیای سبز پس از یختن به مصارف تغذیه رسانند. در بیماری اسکوربوت، اگر شیره حاصل از گیاه مصرف گردد عوارض آن بکلی رفع می‌شود.

معامل رویشی - نواحی مختلف البرز، اطراف تهران، ورامین، سردآباد، بندرگز، اراک: ترامیس، آذربایجان: تبریز.

Haloxylon salicornicum Bge - گیاهی بوته مانند، پرشاخه، عاری از برگ (برگها فلس مانند) و به رنگ زرد روشن است. در بلوچستان، طبس، کویرهای اطراف تهران، اصفهان و یزد خاست می‌روید. کلیه قسمت‌های گیاه اثر سسی دارد.

از *Haloxylon articulatum* (Clav.) Bge در بعضی نواحی مانند ایتالیا، جهت رفع زکام، استفاده بعمل می‌آید. این گیاه در جنوب غربی ایران، نواحی جنوبی سیاه کوه و کوه بهجت می‌روید.

Anabasis aphylla Linn.

A. tatarica Pall.

گیاهی است به ارتفاع ۳ تا ۵ سانتیمتر (حتی بیشتر) و دارای ساقه منشعب، بند بند، بی کرک، نسبتاً سخت و چوبی که بحالت خود رو در منطقه وسیعی از اماکن بایر ایران و در ترکستان می‌روید.

قسمت‌های هوائی گیاه طبق بررسی‌های M. Orechoff، دارای الکتالوئیدهایی به حالت مایع و مجاور نیکوتین نظیر آنا بازین *anabasine*، آفی لین *aphyllin*، لوبی نین *lupinine*^(۱) آفی لیدین *aphyllidine* و غیره است.

آنا بازین *Anabasine* (نئونیکوتین *neonicotine*)، به فرمول $C_{11}H_{14}N_2$ و به وزن-مولکولی ۱۶۳۲۴ است. در گیاهان زیر یافت می‌شود:

- | | | |
|------------------------------------|---------|----------------|
| ۱- <i>Anabasis aphylla</i> L. | از تیره | Chenopodiaceae |
| ۲- <i>Nicotiana glauca</i> Graham. | - | Solanaceae |

استخراج آنا بازین از گیاه نوع اول، توسط Orechoff و Menschikoff^(۲) و سنتر آن توسط Späth^(۳) انجام گرفته است. این الکتالوئید در کشور شوروی استخراج می‌شود.

آنا بازین، مهمترین الکتالوئید گیاه مذکور و دارای حالت مایع است. در گرسای بین ۳۷ و ۲۷۲ درجه بجوش می‌آید. در گرسای ۹ درجه انجماد حاصل می‌کند. در آب و غالب حلال‌های

۱- مشخصات لوبی نین، در جلد دوم این کتاب، صفحه ۹ و شرح داده شده است.

2 - Orechoff, Menschikoff, Ber. 64, 266 (1931).

3 - Späth, Ber. 70 B, 701, 1037.

آلی حل می‌شود.

آتابازین ماده‌ای است سمی و مقدار کشنده آن در موش صحرایی (rat) ۰.۲ میلی گرم برحسب هر کیلوگرم وزن جانور است. سولفات آن خاصیت حشره کشی قوی دارد و از این نظر در تهیه محلول‌های حشره کش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آفی لین Aphylline، الکل‌وئیدی به فرمول $C_{15}H_{14}N_4O$ و به وزن سلکولی ۳۶۸٫۳۶ و ۲۴ است. در *Anabasis aphylla* L. وجود دارد و استخراج شده است. روش استخراج و تعیین فرمول نسبت آن توسط Orechhoff و Menschikoff انجام گرفته (1) و در سالهای بعد نیز سنتز شده است (2).

آفی لین به حالت خالص و متبلور به دست می‌آید. نقطه ذوب آن بین ۵۲ و ۵۷ است. در حلال‌های آبی معمولی حل می‌شود.

کلیدرات آن به فرمول $C_{15}H_{14}N_4O, HCl$ است و به صورت بلوریه‌های روبوئندریک در الکل به دست می‌آید. در گرسای ۰.۹ درجه ذوب می‌شود. به مقدار زیاد نیز در آب محلول است.

در اتازونی و کشور روسیه، محلول غلیظ آنرا که دارای ۰.۵ درصد از مجموع الکل‌وئیدها است، به حالت سولفات جهت از بین بردن طفیلی‌های گیاهی به کار می‌برند.

در بعضی نواحی ایران مانند شیروان، از این گیاه برای تیزابی کردن کشمش استفاده می‌کنند. این گیاه در آذربایجان، تبریز و اطراف آن، کرمان، کوه‌زار (در ۰.۰۰ متری)، یزد، خاست، اطراف اصفهان، برخی نواحی خراسان، دامغان، سمنان، اسام شهر و بسطام می‌روید.

گونه‌های دیگری از این گیاه مانند *Anabasis arietoides* Moq. *، *A. articulata* Moq. * و *A. prostrata* Pomel. * نیز دارای کمی از الکل‌وئیدهای نوع ذکر شده می‌باشند.

Salsola kali L.

فرانسه: Soude، Kali، Soude، انگلیسی: Saltwort، Kali

آلمانی: Kalisalzkrout، Sodapflanze ایتالیایی: Soda، Erba cali

عربی: حرص (Hhurd)، شوك احمر

گیاهی یکساله، به ارتفاع ۰.۳-۰.۶ سانتیمتر، بی کرک ویا کرکدار است. ساقه مرکزی

1 - Orechhoff, Menschikoff, Ber. 64, 266 (1931).

2 - Bohlmann, et al., Ber. 90, 653 (1957).

گیاه حالت قائم ولی انشعابات و شاخه‌های آن حالت نسبتاً افتاده و یا خمیده دارند. ناحیه راس برگها و براکت‌های گیاه خاردار است. برگهای آن حالت گوشه‌دار و تقریباً سافه آغوش دارد. گل‌های آن سفید یا مجتمع بتعداد ۲-۳ تائی می‌باشند که مجموعاً خارهای کم و بیش فشرده بهم در کنار برگها به وجود می‌آورند.

خواص درمانی - اعضای این گیاه دارای اثر ملین، ضد اسکوربوت و مدر است. در خاکستر آن مقدار زیادی کربنات پتاسیم یافت می‌شود.

این گیاه در غالب نقاط ایران مخصوصاً نواحی شمالی البرز، کرج، آذربایجان، تبریز، ارومیه و بلوچستان می‌روید.

Salsola foetida Del. گیاهی به ارتفاع ۰.۸۰ تا ۱.۱۰ متر، غبار آلود و دارای ساقه‌های چوبی و برگهای بسیار کوچک و گوشه‌دار است. در بلوچستان می‌روید (۹). به مصارف دفع کرم می‌رسد. خاکستر آن جهت تسکین خارش، بر روی عضو اثر داده می‌شود.

از **Salsola richteri** Karel. * که در ایران نمی‌روید، ماده‌ای به نام **سال سولین** salsoline استخراج شده است.

سال سولین Salsoline، ماده‌ای به فرمول $C_{11}H_{15}NO_4$ و به وزن سلکولی ۲۴۱۹۳۲۴ است. روش استخراج آن توسط Orechhoff و Proskurnima تعیین گردیده (1)، سنتز و تعیین فرمول نسبت آن توسط Späth و همکارانش انجام شده است (2). ضمناً اثبات اثر کرم‌کننده فشارخون آن، توسط Livshits صورت گرفته است (3).

سال سولین به حالت متبلور در الکل به دست می‌آید. در گرسای ۰.۳۲ درجه ذوب می‌شود در کلروفورم گرم، الکل گرم و هیدروکسید سدیم رقیق حل می‌شود. انحلال آن در آب و بتزن، بمقدار بسیار کم صورت می‌گیرد. تقریباً در اتر و اتر دو پترول غیر محلول است.

کلیدرات آن در گرسای ۰.۱۷۴ - ۰.۱۷۵ درجه ذوب می‌شود. در آب و الکل گرم نیز محلول است.

از نظر درمانی اثر پائین آورنده فشار خون دارد.

از بین گیاهان مفید این تیره، نوعی که اهمیت فراوان در تغذیه و صنعت دارد، چغندر یا

1- Orechhoff, Proskurnima, Ber. 66, 841 (1933); Proskurnima, Orekou J. Gen.

Chem. USSR 7, 1999 (1937).

2- Späth et al. Ber. 1214 (1934).

3- Livshits Sov. Medicine, 1937, no. 6, 42.

Beta vulgaris L. است. ریشه متورم چغندر، ذخایر قندی فراوان دارد و در کارخانه‌های قند از آن برای تهیه این ساده مهم غذایی استفاده بعمل می‌آورند. در ایران پرورش می‌یابد. این گیاه واریته‌های متعددی دارد که از بین آنها دو واریته *Var. Rapa* و *Var. cycia* L. دارای اهمیت خاص اند. برگ واریته اول، از قدیم‌الایام توسط رومیان به مصارف تغذیه مانند تهیه سوپ، پوره، سبزیجات و غیره می‌رسیده و پرورش می‌یافته است. از نظر درمانی، برگ این گیاه به عنوان ملین و نرم کننده مصرف می‌شود. در معالجه یبوست، رفع حالات التهابی مجاری ادرار و تقویت عمل کلیه اثر قاطع ظاهر می‌کند. در استعمال خارج، از برگ این واریته جهت پانسمان زخم و درمان تاول استفاده بعمل می‌آید. له شده برگ تازه آن به صورت ضماد در رفع بیماریهای جلدی مانند سوزدهاء مصرف دارد. برگ و دمبرگ این واریته، هنوز هم به مصارف تغذیه می‌رسد. واریته دوم، به منظور تهیه چغندر قند، پرورش می‌یابد. دو واریته مذکور، در کتب علمی مختلف بتفاوت به صورت گونه‌های علیحده و یا به دنبال نام گونه اصلی نیز آمده است. از تیره *Amarantaceae* (تیره تاج خروس) چند گیاه دارویی زیر قابل ذکر است:

Achyranthes aspera L.

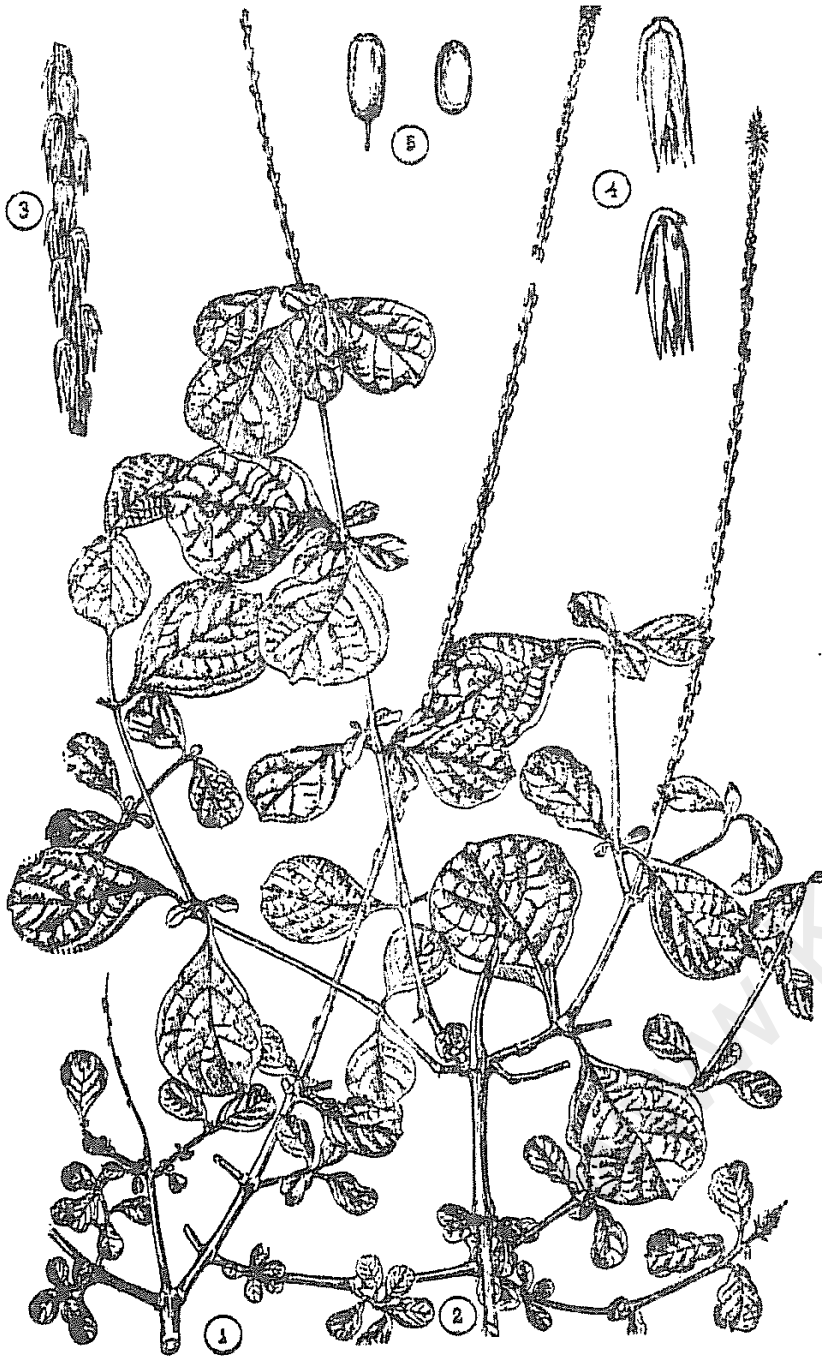
A. excelsa Thou. ، *A. elliptica* Stocks.

فرانسه : *Herbe d' Inde* ، *Cadelari* انگلیسی : *Rough chaff tree*

ایتالیایی : *Sciamitro* عربی: *حشمد (Hhamshad)*، نعیم، *محوط (Mahhût)*

گیاهی کم شاخه، دارای ساقه‌های باریک، زاویه دار یا چهار گوش و برگهای نسبتاً ضخیم تخم مرغی شکل و سنتی به نولك کوچک است. ساقه آن خطوط مشخص و پهنک برگهای آن، کناره صاف یا نامعوار دارد. گل‌های کوچک و خا کستری مایل به سفید آن، در طول محور دراز و یاریکی جای دارند. دارای واریته‌های سفید و قرمز است که هر دو به مصارف درمانی می‌رسند. در هند، ایران، سیلان، بعضی نواحی افریقا، استرالیا و همچنین در آمریکا می‌روید. ریشه، گل، دانه و حتی کلیه قسمت‌های گیاه به مصارف درمانی می‌رسند.

خواص درمانی - قسمت‌های مختلف گیاه اثر ملین دارد. در درمان استسقاء کورک، دسل و دانه‌های جلدی مؤثر واقع می‌گردد. گرد گیاه خشک شده برای رفع دل پیچه کودکان مصرف می‌شود بعلاوه جوشانده تطعات گیاه در آب، به بیماران مبتلا به ذات‌الریه داده می‌شود.



ش ۹-۵ - *Achyranthes aspera* : ۱- شاخه گلدار ۳- شاخه میوه‌دار (زیر ذره بین)

۴- شکل ظاهری میوه از دو جهت ۵- میوه و دانه (Ayur. dr)

جوشانده گیاه در هند بعنوان مدر مصرف می شود بعلاوه از آن، جهت مداوای جزام و رفع عوارض آن استفاده بعمل می آید (مارتیندال ۱۹۸۲).
محل رویش - جنوب ایران، مکران؛ قصرقند.

Aerva lanata Juss.

Ae. Tondalo Buch. ، *Ae. floribunda* Wight.

گیاهی پوشیده از تارهای سفید پنبه ای و به ارتفاع ۰.۵ تا ۰.۹ متر است. ساقه و انشعابات آن، حالت چوبی شده در قاعده دارد. برگهای آن بیضوی، نوک تیز، سنتی به راس مدور و گل‌های آن دارای براکت بیضوی است که رنگ سفید شیشه ای دارد. در نواحی مرکزی هند، سیلان، عربستان، افریقا و احتمالا بطوری که در بعضی کتب علمی منعکس است در ایران؛ مانند بلوچستان می روید. مجموعه گل‌های آن به صورت سنبله های کوچک به طول نابرابر، در کنار برگها و یا در قسمت انتهایی شاخه ها ظاهر می شود.

خواص درمانی - کلبه قسمتهای گیاه اثر مدر دارد و در دفع رسوبات ادراری مفید واقع می گردد. ریشه اش دارای اثر آرام بخش و رفع سردرد است. در سیلان از اعضای گیاه جهت تسکین سرفه استفاده می شود.

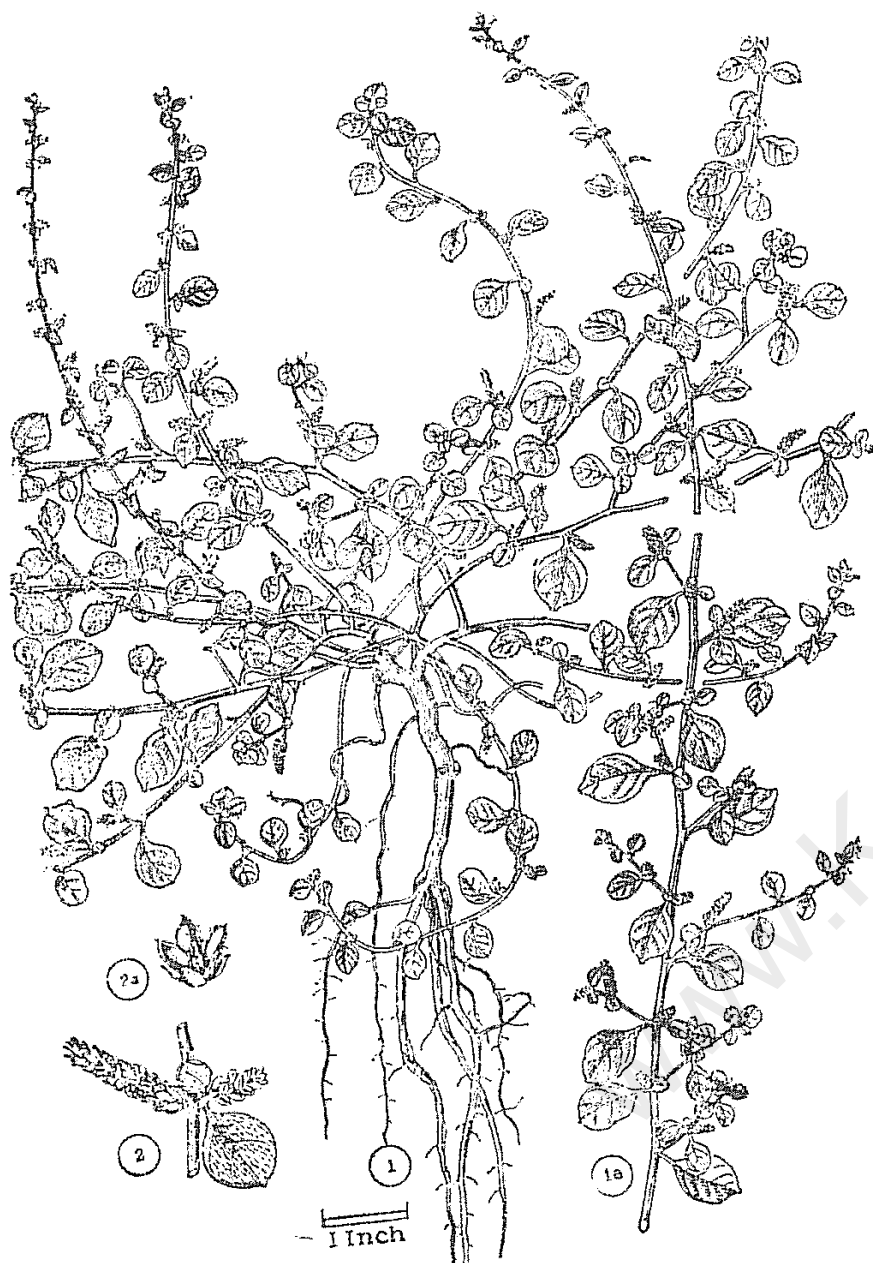
در کتب مفردات پزشکی و فیتونرایی های قدیم تعدادی از گیاهان داروئی و غیر مهم در غالب تیره های گیاهی ذکر شده است که احتمالا ممکن است بعضی از آنها تغییر نام علمی پیدا نموده و به صورت سینونیم در آمده باشند. در این کتاب به ذکر اینگونه گیاهان بهمان ناسهای منعکس در کتب مذکور مبادرت شده است تا هیچگونه اشتباهی در این مورد پیش نیاید. گیاهان مفید و غیر مهم تیره تاج خروس به شرح زیر اند:

۱- *Telanthra polygnoides* Miq. * - گیاهی است علفی که در نواحی مختلف امریکای شمالی می روید و از آن بعنوان مدر و ضد تشنج استفاده درمانی بعمل می آید.

۲- *Chamissoa macrocarpa* H.B. K. * - این گیاه در امریکای جنوبی می روید و در نواحی محل رویش از برگ آن جهت درمان مالاریا استفاده بعمل می آورند و در این مورد نیز آنرا داروئی اختصاصی برای درمان این بیماری می دانند.

۳- *Celosia anthelmintica* Ait. * - گیاهی است که در حبشه می روید و به مصارف دفع کرم و طفیلی ها می رسد.

۴- *Amaranthus frumentaceus* Roxb. * - گیاهی است که در برزیل پراکنندگی دارد و دانه های آن خوراکی است.



ش ۶. - *Aerva Lanata* ۱- گیاه کامل ۲- شاخه گلدار ۳- گل و قسمتی از شاخه گلدار (Ayur.dr.)

- ۵- *Iresine portulacoides* Micq. * ، در برزیل می‌روید و اثر ملد دارد از اینجهت در رفع بیماریهای سجاری ادرار مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۶- *Gonphrea officinalis* Mart. * - این گیاه که در نواحی مختلف امریکای جنوبی می‌روید، بعنوان تب‌بر و درسان‌گزش سار، مصرف می‌شود.
- ۷- *G. macrocephala* St. Hill. * ، در امریکای جنوبی می‌روید و اثری مشابه نوع قبلی دارد.
- ۸- *G. globosa* L. * ، در هند پراکندگی دارد و دارای اثر ضد اسکوریوت است. این گیاه در نواحی شمال غربی ایران مانند آذربایجان، پرورش می‌یابد.

تیره علف هفت بند Polygonaceae

تیره بزرگی از گیاهان گلدار بدون گلبرگ و دارای متجاوز از ۸۰۰ گونه گیاه (در بعضی کتب علمی بتعداد بیشتر) است که در ۴ جنس جای داده شده‌اند. پراکندگی آنها به صورتی است که بیشتر در نواحی معتدله نیمکره شمالی مخصوصاً قاره امریکا یافت می‌گردند. عده‌ای از آنها نیز از گیاهان کوهستانی به‌شمار می‌آیند و اختصاصاً در دامنه‌های مرتفع می‌رویند.

این گیاهان به‌صور مختلف علنی، درختچه و حتی درخت‌اند، در بین آنها نمونه‌های بالا-رونده نیز دیده می‌شود. از مشخصات آنها این است که برگ‌های متناوب و ساده با استیپول مخصوص به‌صورت ورقه کوچک و نازک دارند. گل‌های آنها نر- ساده و یا دارای یکی از اجزای اصلی گل (پرچم یا مادگی) است. پوشش گل آنها از ۲ حلقه ۳ قسمتی تشکیل می‌یابد ولی در بین آنها انواعی یافت می‌شود که پوشش گل در آنها ۵ قسمتی است. حلقه‌های مذکور ممکن است به‌رنگ سبز و یا گلبرگ مانند باشد. پرچم‌های آنها از ۲ حلقه ۳ تائی تشکیل می‌یابد ولی بر اثر عدم رشد بعضی پرچم‌ها، ممکن است تعداد آنها کم و یا به‌علت مضاعف شدن، تعداد پرچم‌ها زیاد گردد.

مادگی آنها لزکلاله ساده یا منشعب، سرکب از ۲ یا ۳ برچه تشکیل می‌یابد که مجموعاً تخمدانی یک‌خانه بوجود می‌آورند. میوه آنها به‌صورت فندقه‌های مسطح یا سه‌گوش و سختی دانه‌ای با آلبومن‌آردی است.

از نظر تشریحی، ساختمان غیر طبیعی در ساقه این گیاهان دیده می‌شود مانند آنکه دسته‌های متعدد چوب-آبکش فرعی، به‌وضع جدا از هم در ناحیه پوست و یا در حدود خارجی مغز آنها

مشاهده می‌گردد. غالب آنها، دسته‌های فیبر در ناحیه پرسیکل، بصورت حلقه‌ای در خارج عناصر آبکشی دارند. بلورهای آکسالات بطور فراوان در اعضای آنها دیده می‌شود و آن نیز به علت آن است که مقدار زیادی اسید اکسالیک در اندامهای این گیاهان یافت می‌گردد.

فراوانی این گیاهان بیشتر در اراضی بایر و شوره‌زارهاست.

از جنس‌های مهم این تیره Rumex (دارای متجاوز از ۱۰۰ گونه)، Rheum (۳۰-۲۰ گونه)، Polygonum (حدود ۲۰۰ گونه) و Cocoloba (۱۰۰ گونه) را نام می‌بریم.

انواع دارویی آنها بشرح زیر است:

Rhubarbes

فرانسه: Rhubarbe انگلیسی: Rhubarb آلمانی: Rhabarber ایتالیائی: Rabarbaro

فارسی: ریباس (گونه Rh. Ribes)، ریونده چینی (Rh. officinale) (۱) - عربی: ریوند

تحت نام **روبارب**، قطعات ریزوم متورم‌گونه‌های مختلف Rheum در بازرگانی عرضه می‌شود. این گیاهان را از نظر کلی می‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:

۱- انواع غیر دارویی که غالباً زینتی بوده، دسرگ جوان بعضی از آنها به‌صرف تغذیه و تهیه کمپوت و سربا می‌رسد بعلاوه کمی اثر ملین دارند مانند گونه‌های زیر:

Rh. Ribes L. ، * **Rh. compactum L.** ، * **Rheum undulatum L.**

گونه اخیر در منطقه وسیعی از دشت‌ها و نواحی کوهستانی ایران می‌روید و به ریواس یا ریباس موسوم است.

۲- انواعی که دارای اثر مسهلی و مسارف درمانی در پزشکی می‌باشند، و مهمترین گونه‌های آنها به‌شرح زیر است:

Rh. officinale H. Bn. * (ریونده چینی)، **Rh. palmatum L.** * و دوروگه‌ها مخصوصاً وارینه‌ای از آن به نام *Var. tanguticum Maxim.*

در دابزشکی از برخی گونه‌های گیاهان مذکور مانند، **Rh. Rhaponticum L.** * و **Rh. emodi Webb.** * استفاده درمانی بعمل می‌آید. گیاهان اخیر علاوه بر مسارف دابزشکی، در طب عوام نیز از نظر درمان برخی بیماریها مورد توجه قرار می‌گیرند.

Rheum officinale H. Bn. * (ریونده چینی)، گیاهی بارشد زیاد و دارای ساقه‌ای به‌طول متجاوز از ۲ متر است. ساقه زیرزمینی آن مانند گونه‌های دیگر این گیاهان، درون زمین

۱- **Rh. officinale** ، در ایران نمی‌روید و ریونده چینی، نام قطعات ریزوم این گیاه در بازارهای ایران است.